

# کانون‌های تفکر چین

دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی

کد موضوعی: ۳۳۰  
شماره مسلسل: ۱۴۱۱۲

دی‌ماه ۱۳۹۳

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۴.....	مقدمه
۵.....	فصل اول - تاریخچه شکل‌گیری کانون‌های تفکر در چین
۲۶.....	فصل دوم - دسته‌بندی و گونه‌شناسی کانون‌های تفکر در چین
۳۳.....	فصل سوم - مهمترین کانون‌های تفکر چین
۳۶.....	فصل چهارم - سازوکارهای تأثیرگذاری کانون‌های تفکر بر فرآیند سیاستگذاری چین
۴۱.....	فصل پنجم - تأثیر فزاینده کانون‌های تفکر در چین
۴۴.....	فصل ششم - مهمترین کانون‌های تفکر در عرصه سیاستگذاری خارجی چین
۵۳.....	نتیجه‌گیری
۵۶.....	منابع و مآخذ



## کانون‌های تفکر چین

### چکیده

کشور چین به‌عنوان یکی از بازیگران مهم بین‌المللی، نقش قابل توجهی را در آغازین دهه‌های قرن بیست‌ویکم ایفا کرده است. ظهور مسالمت‌آمیز چین در نظام بین‌الملل و مطرح شدن این کشور به‌عنوان قدرت بزرگ در عرصه بین‌المللی از یک‌سو و بررسی توانایی رهبران چین برای اداره کشوری با یک میلیارد و سیصدوشصت میلیون نفر جمعیت، جایگاه کانون‌های تفکر در این کشور را واجد اهمیت بسزایی کرده است.<sup>۱</sup>

هدف از ارائه این گزارش که با روش توصیفی - تحلیلی انجام می‌شود بررسی جایگاه کانون‌های تفکر در چین و فهم نحوه اثرگذاری آنها بر فرآیند سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در این کشور است. بنابراین سؤال‌هایی که در این گزارش به آنها پاسخ خواهیم داد عبارتند از: کانون‌های تفکر در چین از چه جایگاه و موقعیتی در این کشور برخوردارند؟ نحوه تعامل آنها با حکومت مرکزی و حزب کمونیست چگونه است؟ کانون‌های تفکر چگونه بر فرآیند سیاستگذاری در این کشور اثر می‌گذارند؟

عصاره پژوهش حاضر به شرح ذیل است:

۱. درخصوص تاریخچه شکل‌گیری کانون‌های تفکر در چین؛ اگرچه از منظر برخی پژوهشگران، قدمت این کانون‌ها به دوران کنفوسیوس برمی‌گردد، اما تأثیرگذاری کانون‌های

---

۱. با توجه به اینکه در «میز کانون تفکر» مرکز پژوهش‌های مجلس تاکنون چند گزارش در آشنایی با کانون‌های تفکر انتشار یافت، تصمیم گرفته شد که چند مدل شرقی آن نیز ارائه شود.

تفکر به صورت مشخص به دوره مائو به بعد مربوط می‌شود. البته به لحاظ تاریخی از زمان تأسیس جمهوری خلق چین به سال ۱۹۴۹ می‌توان کانون‌های تفکر را به سه نسل یا سه دوره مائوئیستی، کانون‌های تفکر مدرن پس از دوران مائوئیستی و کانون‌های تفکر مدرن دوران پس از حادثه میدان تیان‌آنمن تقسیم کرد. بر این اساس در مقطع نخست (۱۹۵۶-۱۹۶۶) کانون‌های تفکر برای توجیه سیاست‌های حکومت وجود دارند نه به منظور انجام تحقیقات و پژوهش‌های مستقل. ساختار سلسله‌مراتبی که تحت تأثیر ساختار بوروکراتیک و ایدئولوژیک مدل شوروی مسلط شده، درون وزارتخانه‌های حکومت قرار دارد و کانون‌های تفکر هم بر همان اساس عمل می‌کنند. در دوره دوم (۱۹۷۶-۱۹۸۹) کانون‌های تفکر، تمرکز خود را روی موضوعات و مباحث اقتصادی می‌گذارند و چین را برای توسعه سریع و همگرایی و ادغام در اقتصاد جهانی آماده می‌کنند. در این مقطع کانون‌های تفکر اقتدار و خودمختاری بیشتری را می‌آزمایند و تأثیرگذاری بیشتری بر سیاستگذاری‌ها دارند. اگرچه هنوز هم در درون ساختارهای رسمی حکومت و حزب کمونیست قرار می‌گیرند. در دوره سوم (۱۹۸۹- تاکنون) جامعه چین ظهور مجدد و تدریجی کانون‌های تفکر را به خصوص در نهادها و ارگان‌هایی که وابسته به دانشگاه و متعلق به جامعه مدنی‌اند تجربه می‌کند. کانون‌های تفکر در خارج حکومت قرار دارند اگرچه هنوز هم توسط حزب کمونیست چین و حکومت، کنترل و نظارت می‌شوند.

۲. یافته‌ها نشان می‌دهند که در مجموع می‌توان گفت سه مؤلفه در نیاز به تأسیس

کانون‌های تفکر جدید نقش داشته‌اند:



الف) تحولات داخلی صورت گرفته در چین و ظهور نظام رهبری جمعی که مقامات عالی‌رتبه را مجبور کرده به طریق حمایت از کانون‌های تفکر، مشروعیت فزاینده‌ای را برای سیاست‌های خود جستجو کنند؛

ب) ادغام فزاینده چین با اقتصاد جهانی نیازمند دروندادهایی از پژوهشگران متخصص و حرفه‌ای (مخصوصاً آنها که به صورت خاص در مالیه و سرمایه‌گذاری بین‌المللی تخصص دارند) است؛

پ) توسعه سریع اقتصاد بازار چین نه تنها ساختارهای اقتصادی و سیاسی چین را تکثرگرایانه‌تر کرده، بلکه گروه‌های ذی‌نفع جدیدی را هم به وجود آورده است.

۳. کانون‌های تفکر در چین به سه دسته طبقه‌بندی شده‌اند ۱. کانون‌های تفکر حکومتی/ رسمی؛ ۲. کانون‌های تفکر دانشگاهی/ شبه‌رسمی؛ ۳. کانون‌های تفکر مدنی/ وابسته به دانشگاه‌ها.

۴. ده کانون تفکر برتر در چین به ترتیب عبارتند از:

آکادمی علوم اجتماعی چین؛ مؤسسه مطالعات بین‌المللی چین؛ مؤسسه روابط بین‌الملل معاصر چین؛ مرکز کارنگی چین در مرکز سیاستگذاری جهانی کینگای؛ مؤسسه مطالعات بین‌المللی شانگهای؛ مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی چین؛ مرکز تحقیقات توسعه شورای دولتی؛ مؤسسه اقتصادی یونیورسیتی چین؛ مؤسسه امور عمومی چین و مؤسسه تحقیقات سیاستگذاری ملی چین.

۵. مهم‌ترین کارکردها و نقش‌های کانون‌های تفکر؛

الف) انجام فعالیت‌های علمی و تولید تحقیقات و پژوهش‌های علمی و دانشگاهی در قالب چاپ و انتشار گزارش‌ها و مقالات در مجلات علمی؛

ب) فعالیتهای مشاوره‌ای برای نهادهای تصمیم‌ساز؛

پ) حضور رسانه‌ای.

### مقدمه

جمهوری خلق چین به‌عنوان یکی از بازیگران مهم بین‌المللی، نقش قابل توجهی در آغازین دهه‌های قرن بیست‌ویکم ایفا کرده است. این ارتقای جایگاه و موقعیت چین را می‌توان ناشی از دو عامل مهم دانست: یکی به‌واسطه گسترش توانمندی‌های اقتصادی و نظامی این کشور که معمولاً به‌عنوان مؤلفه کلیدی قدرت دولت‌ها در نظام بین‌المللی محسوب می‌شود و دیگری به‌واسطه نقش اساسی این کشور در موضوعات بین‌المللی است که در سطحی گسترده عمل می‌کند.

با توجه به فعالیتهای چین در سیاستگذاری خارجی و بالاخص در استراتژی، فرآیند سیاستگذاری و تصمیم‌گیری سیاسی، فهم زمینه‌ها و ماهیت تصمیم‌گیری در این کشور مورد توجه پژوهشگران و سیاستمداران قرار گرفته است. اگرچه ماهیت و سرشت غیرشفاف نظام سیاسی چین فهم این موضوع را دشوار کرده و ارزیابی فرآیند سیاستگذاری بالاخص در حوزه سیاست خارجی و آشکار کردن ساختارها و زمینه‌هایی که به آن شکل می‌دهند، بسیار دشوار است. علی‌رغم وجود چنین شرایطی، برخی پژوهشگران غربی - که حوزه تخصص آنها بررسی سیاستگذاری خارجی کشورهاست - کانون‌های تفکر را به‌عنوان مؤلفه کلیدی در این فرآیند مورد شناسایی و بررسی قرار



داده‌اند که از آن جمله می‌توان به چن (Chen, 2009, 2010)، سان (Sun, 2004) و ژائو (Zhao, 2011) اشاره کرد.

بنابراین ظهور مسالمت‌آمیز چین در نظام بین‌الملل و مطرح شدن این کشور به‌عنوان قدرت بزرگ در عرصه بین‌المللی از یک‌سو و توانایی رهبران چین برای اداره کشوری با یک میلیارد و سیصدوشصت میلیون نفر جمعیت (براساس آمار صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۳)، بررسی جایگاه کانون‌های تفکر در این کشور را واجد اهمیت بسزایی کرده است. هدف از ارائه این گزارش بررسی جایگاه، پیشینه، گونه‌شناسی، مهمترین نحوه تأثیرگذاری کانون‌های تفکر در چین است.

## فصل اول - تاریخچه شکل‌گیری کانون‌های تفکر در چین

کانون‌های تفکر چین<sup>۱</sup> به یک معنا پدیده جدیدی نیستند و این کانون‌ها از زمان کنفوسیوس تاکنون نقش مهمی را در این کشور بازی کرده‌اند و به‌عنوان «مشاوران شاه»<sup>۲</sup> نامیده می‌شدند، اما شکل‌گیری کانون‌های تفکر به معنای جدید کلمه را باید در پایان قرن نوزدهم جستجو کرد. این کانون‌ها در قالب جوامع مطالعاتی به‌عنوان مجامع مهمی از پژوهشگران که تحت حمایت کارکنان رده‌بالای دولت بودند، ظهور کردند. این محافل و مجامع، محملی برای ظهور مکتب فکری «مدرنیسم» - اولین جنبش مطابق قانون اساسی - و همین‌طور زمینه‌ای برای شکل‌گیری مراکز تخصصی مثل مؤسسه مطالعات بین‌المللی چین بودند که در سال ۱۸۹۷ تأسیس شدند (Boudiguel and Kellner, 2010: 5). با این همه،

1. Zhiku or Sixiangku

2. Counselors of the Prince

کانون‌های تفکر قدیمی از نظر تعداد محدود و نهادینه نشده بودند و باید شکل‌گیری گسترده کانون‌های تفکر را در جمهوری خلق چین از سال ۱۹۴۹ به بعد مورد بررسی و واکاوی قرار داد (Li, 2009: 3).

برای درک ماهیت و اهداف این کانون‌ها و تمایزاتشان از مفاهیم کلاسیکی که به صورت هم‌ارز وجود داشته‌اند، شایسته است به ارائه تعریفی روشن از کانون‌های تفکر بپردازیم. در برخی از تعاریف، کانون‌های تفکر به‌عنوان سازمان پژوهشی در حوزه سیاستگذاری عمومی تعریف می‌شوند. به بیان دیگر کانون تفکر سازمانی است که هدف از انجام پژوهش‌های آن تأثیرگذاری بر سیاست‌ها از طریق ابزارهای گوناگون است. همچنین کانون‌های تفکر در افکار عمومی به‌عنوان نهادهایی با یک دیدگاه سیاسی خاص شناخته شده‌اند (Demuth, 2007:1).

در مطالعه استفن بوچر<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) با عنوان «اروپا و کانون‌های تفکر آن» به معیارهایی از کانون‌های تفکر پرداخته است از جمله این که سازمان‌های دائمی داشته باشند، راه‌حل‌های سیاستگذارانه ارائه کنند، دارای کارکنان دائمی و تمام‌وقت باشند، برخی تحلیل‌ها و تفکرات مهم و کلیدی را فراهم آورند، هدف آنها ارتباط برقرار کردن با حکومت باشد و برون‌دادهای خود را به حکومت و همین‌طور افکار عمومی ارائه کنند، تحت تکلیف و فرمان هیئت حکومتی نباشند، آزادی عمل خود را در طرح‌های پژوهشی و دستور کارها به کار گیرند و هدف اصلی آنها فراهم کردن تخصص یا اعطای مدرک نباشد (Boudiguel and Kellner, 2010: 8).

---

1. Stephen Boucher





همچنین از منظری دیگر برای دسته‌بندی و طبقه‌بندی کانون‌های تفکر چند معیار و مؤلفه مهم ارائه شده است:

۱. **برجستگی (اهمیت) و تأثیر:** یکی از معیارهای مهم برای دسته‌بندی و طبقه‌بندی کانون‌های تفکر، میزان اهمیت و تأثیرگذاری آنها بر فرآیند سیاستگذاری است.

۲. **دسترسی:** به‌واسطه رابطه تنگاتنگ بین نهادها و دولت (حزب) در چین و همین‌طور سرشت حساس سیاستگذاری خارجی، دغدغه‌های عملگرایانه بر انتخاب کانون‌های تفکر تأثیرگذار است. برخی از این نهادها مثل مؤسسه مطالعات استراتژیک دانشگاه دفاع ملی و شعبه تحقیقاتی سیاستگذاری حزب مرکزی که بدون شک اثرگذارند، اما به‌خاطر عدم دسترسی به پژوهشگران خارجی و عدم دسترسی به اطلاعات در مورد آنها، در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

۳. **تنوع:** همان‌طور که قبلاً هم گفته شد کانون‌های تفکر انواع مختلفی دارند و چین هم در این زمینه مستثنا نیست. برخی مراکز پژوهشی وابسته به دانشگاه‌ها، آکادمی‌های گسترده و فراگیرند و بعضی دیگر نهادهای خاصی که به بخش‌های ویژه‌ای از نظام بوروکراتیک چین مثل وزارت امور خارجه وابسته‌اند (Abb, 2013: 9). به‌علاوه در چند سال اخیر هم شکل‌گیری کانون‌های تفکر برخاسته از جامعه مدنی را در چین شاهدیم.

متأثر از چنین تعابیر و تعاریفی از مفهوم جدید کانون تفکر، می‌توان گفت در چند دهه اخیر گستره کانون‌های تفکر در چین هم از نظر تعداد، هم از نظر تأثیر و هم از نظر میزان نهادینگی، توسعه پیدا کرده است. درواقع گسترش و افزایش تعداد کانون‌های تفکر در چین در نیمه دوم قرن بیستم اتفاق افتاده است (McGann, 2012: 9).

بنابراین اهمیت دارد که تحول کانون‌های تفکر در چین را به این منظور که به فهم کاملی از رهیافت معاصر و تأثیر کنونی کانون‌های تفکر در چین دست پیدا کنیم ذیل دو حادثه مهم یعنی انقلاب فرهنگی و حادثه میدان تیان‌آنمن بررسی کنیم. به بیان دیگر از نظر تاریخی می‌توان کانون‌های تفکر در چین معاصر را در سه مقطع مورد بررسی قرار داد: ۱۹۵۶-۱۹۶۶: کانون‌های تفکر برای توجیه سیاست‌های حکومت وجود دارند نه برای اینکه تحقیقات و پژوهش‌های مستقل انجام دهند. ساختار سلسله‌مراتبی که تحت تأثیر ساختار بوروکراتیک و ایدئولوژیک مدل شوروی، در این کشور مسلط شده درون وزارتخانه‌های حکومت قرار دارد (McGann, 2012: 14).

۱۹۷۶-۱۹۸۹: کانون‌های تفکر تمرکز خود را روی موضوعات و مباحث اقتصادی می‌گذارند و چین را برای توسعه سریع و همگرایی و ادغام در اقتصاد جهانی آماده می‌کنند. در این مقطع کانون‌های تفکر اقتدار و خودمختاری بیشتری را تجربه می‌کنند و تأثیرگذاری بیشتری بر سیاستگذاری‌ها دارند. اگرچه هنوز هم در درون ساختارهای رسمی حکومت و حزب کمونیست قرار دارند.

۱۹۸۹- تاکنون: جامعه چین ظهور مجدد و تدریجی کانون‌های تفکر را به خصوص در نهادها و ارگان‌هایی که وابسته به دانشگاه و متعلق به جامعه مدنی‌اند تجربه می‌کند. کانون‌های تفکر در خارج حکومت قرار دارند اگرچه هنوز هم توسط حزب کمونیست چین و حکومت، کنترل و نظارت می‌شوند (McGann, 2012: 14).

برخی از پژوهشگران مثل مک‌گان بر این نظرند که می‌توان کانون‌های تفکر در چین را به سه دوره ۱. دوره مائوئیستی، ۲. دوره مدرن پیش از تیان‌آنمن، ۳. دوره مدرن



پس از تیان‌آنمن و به تعبیر دیگر به سه نسل اول، دوم و سوم کانون‌های تفکر دسته‌بندی کرد.

بر این اساس، اولین مقطع، فاصله سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۶ را دربرمی‌گیرد، یعنی از زمان تأسیس جمهوری خلق چین تا شروع انقلاب فرهنگی در این کشور. در این مقطع، نقش و تأثیر کانون‌های تفکر عمدتاً وابسته به ترجیحات و ویژگی‌های رهبر کشور یعنی مائو‌دونگ بود. وجه مشخصه این دوره، نهادسازی بسیار شدید و گسترده است. این امر برآیند درک دو ضرورت مهم بود:

**اول:** بازسازی کشوری که به واسطه دو دهه جنگ داخلی و تهاجم خارجی ویران و خراب شده بود؛

**دوم:** تأسیس و ایجاد ساختارهای اجرایی ضروری برای عملی شدن برنامه‌ها و طرح‌های بلندمدت و درازمدت کمونیست‌ها به منظور انجام دگرگونی اجتماعی بود (Abb, 2013: 11).

مائو به علم و تکنولوژی مدرن بها نمی‌داد، نقش عقلانیت را در سیاستگذاری حکومت نادیده می‌گرفت، پایین‌ترین ارزش و شأن را برای روشنفکران قائل بود و تصمیمات اصلی در طول دوره مائو نظیر انقلاب فرهنگی، حرکت صنعت دفاع ملی چین به سمت جبهه سوم و مصالحه با آمریکا در اوایل دهه ۱۹۷۰، توسط وی اتخاذ شدند (Li, 2009: 3). بنابراین، نهادهایی هم که در طول این مدت تأسیس شدند عمدتاً منعکس‌کننده مدل شوروی از جداسازی بین آموزش (مراکز وابسته به دانشگاه‌ها) و پژوهش (آکادمی‌ها و نهادهای تخصصی) بودند. همچنین رویه شوروی درخصوص تضمین پیوند بین حزب و نهادهای

اجرایی دولتی اتخاذ شد. این یک نوع اقتدار و حاکمیت دوگانه<sup>۱</sup> بود که مطابق با آن رهبری مؤسسه یا نهاد نسبت به کارگزاری مافوق خود مسئول بود و از طرف دیگر سازمان نیز توسط گروه حزبی کنترل می‌شد (Abb, 2013: 11). به عبارت دیگر، کانون‌های تفکر ایجاد شده در این مقطع ابزاری برای توجیه سیاستگذاری حکومت و نه ابزاری برای اجرای پژوهش‌های مستقل از حکومت محسوب می‌شدند. آنها متشکل از ساختارهای سلسله‌مراتبی بودند که به وسیله ایدئولوژی مدل شوروی و ساختارهای بوروکراتیک که محل آنها وزارتخانه‌های حکومت بود تشکیل شده بودند (McGann, 2012: 10).

به‌عنوان نمونه «مؤسسه امور بین‌المللی خلق چین»<sup>۲</sup> به‌عنوان شاخه‌ای از وزارت امور خارجه در ۱۹۴۹ ایجاد شد. به‌علاوه در حوزه روابط بین‌المللی یکی از اولین تلاش‌ها برای تأسیس کانون‌های تفکر به سال ۱۹۵۶ برمی‌گردد. در اثر حوادثی که در لهستان، مجارستان و اتحاد شوروی اتفاق افتادند، مائو دستور تأسیس «مؤسسه روابط بین‌الملل»<sup>۳</sup> را صادر کرد. این مؤسسه در طول انقلاب فرهنگی بسته و مجدداً در سال ۱۹۷۳ بازگشایی شد و بعداً به «مؤسسه چینی مطالعات بین‌المللی»<sup>۴</sup> تغییر نام داد (Boudiguel and Kellner, 2010: 5).

در شرایط وقوع شکاف بین شوروی و چین در اوایل دهه ۱۹۶۰ و رقابت بر سر گسترش نفوذ بر کشورهای درحال توسعه، به دستور رئیس‌جمهور مائو، «مؤسسه تحقیقات آسیا-آفریقا» در سال ۱۹۶۱ تأسیس شد. این مؤسسه با «دپارتمان روابط

- 
1. Dual Rule
  2. The Chinese People's Institute of Foreign Affairs
  3. The Institute of International Relations
  4. The Chinese Institute for International Studies



بین‌الملل حزب کمونیست چین»<sup>۱</sup> در ارتباط بود. همچنین در سال ۱۹۶۴ به دو مؤسسه تحقیقاتی یکی در مورد آفریقا و غرب آسیا و دیگری در مورد جنوب شرق آسیا تقسیم شد. هر دو مؤسسه بین دپارتمان روابط بین‌الملل حزب کمونیست و حزب کمونیست چین با دپارتمان فلسفه و علوم اجتماعی آکادمی علوم چین - دپارتمانی که بر مدل شوروی مبتنی بود - ارتباط برقرار کردند (Boudiguel and Kellner, 2010: 8).

با این همه، توانمندی‌های کلی این نهادها و مراکز تازه‌تأسیس به چند دلیل عمده محدود بودند:

**اول** اینکه چین در شرایط توسعه‌نیافته‌ای قرار داشت. نظام آموزشی آن به‌واسطه جنگ‌ها و منازعات انقلابی از هم گسیخته بود و تخصص و دانش محققین نسل قبل از انقلاب اغلب به‌خاطر تفاوت‌های ایدئولوژیک رد می‌شد. شاید تعجب‌آور نباشد اگر گفته شود فقدان منابع نظری لازم و تمرکز رژیم بر چشم‌اندازهای ایدئولوژیک موجب شدند مارکسیسم تنها عینک تئوریک قابل قبول باشد که می‌توانست برای مطالعه روابط بین‌الملل مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل نقش پژوهشگران، اغلب به مفسران و حافظان سیاستگذاری حکومت و ترسیم و طراحی دشمنان - از جمله ایالات متحده آمریکا - تقلیل پیدا کرد. بنابراین، تمرکز تصمیم‌سازی سیاست خارجی در دستان گروه نسبتاً کوچکی از رهبران رده بالا و نهادهای مشاوره‌ای آنها بود (Abb, 2013: 11).

**دوم** اینکه در فاصله سال‌های ۱۹۶۶-۱۹۷۶ یک چرخش مهم دیگر اتفاق افتاد و آن هم وقوع انقلاب فرهنگی بود. در نتیجه انقلاب فرهنگی، دانشگاه‌ها تعطیل و مبارزات انقلابی به‌زودی فراگیر شدند و بیشتر نهادهای پژوهشی و تحقیقاتی را تحلیل بردند. این

---

1. The International Liaison Department of the CCP

نهادهای تعطیل و مراکز چاپ و انتشارات هم مسدود شدند. عملیات متعددی که مستقیماً پژوهشگران، محققین و دانشمندان را هدف قرار داده بودند، پاکسازی ایدئولوژیک و مهاجرت میلیون‌ها دانشجو، پژوهشگر و استاد را در پی داشتند. البته آثار انقلاب فرهنگی تنها محدود به طبقه روشنفکر نبودند، بلکه سبب آشفتگی اجتماعی وسیعی شدند که در سال ۱۹۶۸ خود را نشان دادند و نتیجه آن از هم گسیختگی نظام اجتماعی کشور بود. این افراط‌گرایی‌ها نهایتاً به سقوط دسته‌بندی رادیکال - انقلابی حزب کمونیست چین و احیای نقش دستگاه‌های اجرایی در حوزه بوروکراتیک منجر شدند (Abb, 2013: 12).

بنابراین، از زمانی که عقب‌ماندگی چین در حوزه علم و تکنولوژی به‌عنوان یکی از دلایل اصلی از حرکت افتادن توسعه کشور شناخته شد؛ این بخش به یکی از اهداف اصلی بازسازی و احیا در دوره جدید تبدیل شد.

بنابراین، دنگ شیائو پینگ موقعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روشنفکران را در طول دوره حکومت خود ارتقا داد (Li, 2009: 3). تحت تأثیر سیاست درهای باز دنگ، نسل دوم کانون‌های تفکر ظهور یافتند و بیش از پیش تشویق شدند که به‌دنبال تغییر و نوآوری باشند. آنها روش‌های تحقیقاتی مبتنی بر الگوی شوروی را کنار گذاشتند و نقش اصلی‌شان این بود که با پژوهش در زمینه نحوه سیاست‌گذاری به حکومت کمک کنند. در نتیجه کانون‌های تفکر، بودجه و سرمایه را از منابع حکومت مرکزی دریافت می‌کردند و در مقابل رهبران حکومت نیز پاسخگو و مسئول بودند. حکومت مرکزی از کانون‌های تفکر حمایت و برای این کانون‌ها نیز سرمایه‌گذاری می‌کردند به این منظور



که قادر باشند کنترل کاملی بر پژوهش‌ها و انتشارات آنها پیدا کنند. با این همه، حکومت به‌طور کامل به کانون‌های تفکر اعتماد نمی‌کرد (McGann, 2012: 11).

در درون علوم اجتماعی هم، تحقیق و پژوهش در حوزه اقتصاد و مطالعات خارجی به‌عنوان امری حیاتی برای پروژه بازسازی چین مورد توجه قرار گرفت و سبب بازسازی نظام‌مند و گسترش توانمندی‌های موجود شد. در همین خصوص آکادمی علوم اجتماعی چین<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۷ تأسیس شد و تحت کنترل مستقیم شورای دولتی قرار گرفت که آن را به‌عنوان نهادی در سطح وزارتخانه طراحی کرده بود. همچنین در سال ۱۹۷۷ یک نهاد پژوهشی در مورد آسیای مرکزی و شبه‌جزیره کره ایجاد شد و به‌دنبال آن هم هشت مرکز پژوهشی در مورد هنگ‌کنگ/ ماکائو و تایوان، موضوعات مذهبی و قومی، جهانی شدن، مطالعات ضدتروریسم، مدیریت بحران، امنیت و استراتژی دریانوردی به وجود آمدند (Boudiguel and Kellner, 2010: 8).

به‌واسطه اصلاحات ملهم از غرب در این مقطع، بیشتر رویه‌های مبتنی بر مدل شوروی در نظام پژوهشی چین هم در نیمه دهه ۱۹۸۰ منسوخ شدند. سرمایه‌گذاری در حوزه علمی تمرکززدایی شد و نهادهای شخصی و مستقل، آزادی عمل بیشتری برای انجام پروژه‌های پژوهشی و انعقاد قراردادهای پژوهشی پیدا کردند. مؤسسه آفریقا و غرب آسیا نیز کار خود را آغاز کرد و از سال ۱۹۸۱ زیر نظر آکادمی علوم اجتماعی چین قرار گرفت. همچنین به دانشگاه‌ها اجازه داده شد تا برنامه‌های خود را طراحی کنند (Abb, 2013: 12). زمانی که هو یائوبانگ<sup>۲</sup> و ژائو زیانگ<sup>۳</sup> امور سیاسی و اقتصادی را در

---

1. China Academy of Social Sciences (CASS)

2. Hu Yaobang

3. Zhao Ziyang

حزب و حکومت در دهه ۱۹۸۰ برعهده گرفتند به پدر معنوی<sup>۱</sup> گروهی از روشنفکران لیبرال که عمدتاً وابسته به کانون‌های تفکر در حکومت یا کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بودند، تبدیل شدند. آکادمی علوم اجتماعی چین هم به مأمنی برای روشنفکران وابسته به شاخه لیبرال حزب تبدیل شد و منبع اصلی مشاورین برای سرمایه‌های فکری اصلاح‌طلبانه‌ای بود که توسط ژائو زیانگ ایجاد شده بود. برخی از این پژوهشگران بعداً حمایت خود را از حکومت برداشتند. به عبارت دیگر، در اواخر دهه ۱۹۸۰، پژوهشگران نهادهای تازه‌تأسیس و بازسازی شده، به نحو فزاینده‌ای بر سر اصلاحات اقتصادی و سیاسی درگیر مناظره درون‌حزبی شدند.

در نتیجه سیاست بازگشایی اقتصادی و صادرات تکنولوژی، پیوند با جهان بیرون هم افزایش یافت و ازسوی دیگر تقاضا برای اطلاعات بیشتر در مورد شرکای جدید چین هم فزونی پیدا کرد. تحلیل سیاستگذاری و تحقیقات و پژوهش‌های کوتاه‌مدت نیز در مورد موضوعات مهم بین‌المللی اهمیت یافت. فشار برای اتخاذ چارچوب غربی بر رشته مطالعاتی روابط بین‌الملل تأثیر گذاشت و آموزش تدریجی مکاتب تئوریک روابط بین‌الملل از جمله واقع‌گرایی آغاز شد (Abb, 2013: 12). بعد از آشفتگی دوره انقلابی و به‌خصوص انقلاب فرهنگی، این نسل جدید از پژوهشگران، اولین گروهی بودند که آموزش حرفه‌ای بی‌وقفه، مداوم و مبتنی بر مهارت دیده بودند. نیروهای قدیمی به تدریج توسط متخصصان جوان روابط بین‌الملل جایگزین شدند و این امر تأثیر عمده خود را بر توانایی و چشم‌انداز اجتماع محققین چینی گذاشت.





اگرچه در دوره دنگ شیائوپینگ، نهادها نسبتاً فعالیت خود را انجام دادند، اما او احساس می‌کرد که در زمان تصمیم‌گیری نیازی به مشورت با کانون‌های تفکر ندارد. به‌عنوان نمونه، مهمترین تصمیمات دوره دنگ مثل تأسیس منطقه اقتصادی در جنوب چین و بلوک پودانگ شانگهای به تفکرات رؤیایی دنگ و جرئت سیاسی وی نسبت داده می‌شود. دنگ در روزهای آخر عمر خود ترجیح می‌داد که به‌جای مطالعه گزارش‌های تخصصی، به شایعات و سخنان ناپخته دختر خود گوش بدهد (Li, 2009: 3).

حادثه میدان تیان‌آن‌من در سال ۱۹۸۹ سبب احساس عدم امنیت عمیق در درون حکومت مرکزی شد. به‌عنوان پیامد فوری حادثه میدان تیان‌آن‌من، کانون‌های تفکر تعطیل شده، به‌صورت موقت به حالت تعلیق درآمدند و کانون‌های تفکر مبتنی بر مدل شوروی فرصتی برای خیزش دوباره و تجدید فعالیت پیدا کردند. با این همه چشم‌انداز درحال تغییر اقتصاد چین، بستری را فراهم کرد که در آن کانون‌های تفکر دارای نقش و کارکرد شدند (McGann, 2012: 12). به بیان دیگر تأدیب و سختگیری ۱۹۸۹ میدان تیان‌آن‌من و تسویه و پاکسازی حامیان لیبرال‌ها، از سرگیری مجدد اصلاحات اقتصادی در ۱۹۹۲ و دوران‌دیشی رژیم اجازه فعالیت علمی دوباره را داد. اگرچه برخی از کانون‌های تفکر در نتیجه حوادث میدان تیان‌آن‌من بسته شدند، اما در دو دهه بعد، نظام کانون تفکر در چین باقی ماند و حتی نهادینه‌تر شد. این امر به واسطه این واقعیت بود که همگرایی فزاینده چین با اقتصاد جهانی نیازمند پژوهشگرانی با تخصص کافی به‌خصوص در حوزه‌های مالی و اقتصادی بین‌المللی بود (Li, 2009: 3-4).

بنابراین، کانون‌های تفکر در جامعه چین ظهور مجدد یافته و سازمان‌های پژوهشی وابسته به دانشگاه‌ها نیز گسترش یافتند. اگرچه بسیاری از این نهادها، اقتدار بیشتری

برای تأثیرگذاری فزاینده بر سیاستگذاری چین پیدا کردند، اما به‌وسیله ساختارهای رسمی حکومت و حزب کمونیست چین محدود بودند و تأثیر فزاینده کانون‌های تفکر در چین را می‌توان به رشد اقتصادی قابل توجه این کشور نسبت داد (McGann, 2012: 12). از این‌رو، روابط با قدرت‌های بزرگ به‌جای دیپلماسی محدود مثلی که تجارب دوره جنگ سرد چین را شکل داده بود در یک بستر جهانی دیده شد. رشد اقتصادی کشور اجازه تخصیص سرمایه بیشتر به حوزه پژوهش و آموزش را داد و سبب ارتقای قابلیت استفاده از دو منبع کلیدی و مهم برای نهادهای پژوهشی شد: سرمایه‌ها و شاید از آن هم مهمتر نیروی متخصص که زمینه‌ها و تخصص‌های علمی و دانشگاهی گسترده‌ای داشتند (Abb, 2013: 14).

بدون شک، جیانگ زمین<sup>۱</sup>، ژو رونگژی<sup>۲</sup> و نسل رهبران تکنوکرات آنها نسبت به رهبران پیشین خود، توجه بیشتری را به نقش کانون‌های تفکر معطوف داشتند (Li, 2009: 3-4).

در اوایل دهه ۱۹۹۰، جیانگ زمین از مشورت و نظر پژوهشگرانی که در برخی از مؤسسات مهم در شانگهای کار می‌کردند مثل دانشگاه فودان، دانشگاه علوم سیاسی و حقوق چین شرقی، مؤسسه مطالعات بین‌المللی چین<sup>۳</sup> و آکادمی علوم اجتماعی شانگهای

---

1. Jiang Zemin

2. Zhu Rongji

۳. این مؤسسه اکنون متشکل از ۱۲ دپارتمان پژوهشی است که عبارتند از: مطالعات آمریکا، مطالعات آسیا پاسیفیک، مطالعات اروپا، مطالعات ژاپن، مطالعات آسیای مرکزی و روسیه، مطالعات آسیای جنوبی، مطالعات تایوان/ هنگ‌کنگ و ماکائو، مطالعات اقتصاد جهانی، مطالعات آفریقا و غرب آسیا، مطالعات سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بین‌الملل، مطالعات زنان و مطالعات فرهنگ‌ها، مذاهب و گروه‌های قومی. همچنین از میان تعداد زیادی از



استفاده کرد. کیفیت و توانمندی پژوهشگران مؤسسه مطالعات بین‌المللی چین و تحلیل‌هایی که ارائه می‌کردند هم در حوزه داخلی و هم در حوزه خارجی مورد توجه جیانگ زمین قرار گرفت. او در طول دوره تصدی خود در سمت شهردار، دبیر حزب در شانگهای و سپس دبیر کل حزب و رئیس جمهوری اغلب با مؤسسه مشورت و همفکری می‌کرد. در واقع در طول دهه ۱۹۹۰، چندین پژوهشگر برجسته جوان و با تخصص در حوزه مطالعات خارجی از شانگهای به بیجینگ<sup>۱</sup> آمدند و به‌صورت بسیار نزدیکی با جیانگ زمین در حوزه‌هایی مثل طراحی سیاستگذاری، تبلیغات، امور تایوان و روابط خارجی کار کردند. به‌عنوان نمونه ونگ هونینگ<sup>۲</sup> - رئیس اسبق مدرسه حقوق در فودان - به‌عنوان معاون جیانگ خدمت کرد و اکنون نیز رئیس دفتر تحقیقات سیاستگذاری کمیته مرکزی حزب کمونیست چین است. همچنین، لی جونرو<sup>۳</sup> پژوهشگری است که بیشتر عمر خود را در آکادمی علوم اجتماعی شانگهای گذرانده و به‌عنوان مشاور رئیس مکتب حزب مرکزی هم به ایفای نقش پرداخته است. هم ونگ و هم لی نقش اصلی را در توسعه «نظریه سه نمایندگی» جیانگ داشتند (Li, 2009: 4).

دهه آخر که وجه مشخصه آن انتقال قدرت به نسل چهارم رهبران حزب کمونیست چین تحت زعامت هو جین‌تائو و ون جیابائو بود نشان‌دهنده اهمیت یافتن نقش مشاوره و تحقیق در حوزه سیاستگذاری در برنامه توسعه بلندمدت چین بود و کانون‌های تفکر

---

انتشارات آکادمیک آن می‌توان به مجله جهانی به زبان انگلیسی اشاره کرد (Boudiguel and Kellner, 2010: 7).

۱. نظر به اینکه واژه پکن توسط غربی‌ها برای تحقیر چینی‌ها در طول تاریخ استفاده شده است، واژه بیجینگ در این متن مورد استفاده قرار گرفته است.

2. Wang Huning  
3. Li Junru

به‌عنوان مهیاکنندگان اصلی علم و دانش تکنوکراتیک معرفی شده و مورد پذیرش و شناسایی قرار گرفتند (Abb,2013:14). دو متفکر ممتاز و متمایز چینی یعنی زنگ بیجیان<sup>۱</sup> (مشاور اسبق رئیس مکتب حزب مرکزی) و ونگ جیسی<sup>۲</sup> (رئیس مؤسسه مطالعات استراتژیک بین‌المللی مکتب حزب مرکزی و رئیس گروه مطالعات بین‌المللی در دانشگاه بیجینگ) نقش کلیدی را در توسعه نظریه «ظهور مسالمت‌آمیز»<sup>۳</sup> هو جین تائو ایفا کرده‌اند (Li, 2009: 4).

علاوه بر گسترش بیشتر سرمایه‌گذاری برای تحقیقات پایه و بنیادین، کارگزاران حکومتی نیز به نحو فزاینده‌ای خواستار مشاوره و رایزنی و همفکری خارجی شدند و دیگران را به انعقاد قراردادهای پژوهشی تشویق کردند که نتیجه آن انعطاف‌پذیری بیشتر و رقابت باز و آزاد بین پژوهشگران بود و نهادهای پژوهشی قبلی تحت اداره و سرپرستی حکومت، در یک سلسله‌مراتب عمودی ادغام شدند (Abb,2013:14).

رشد اقتصاد کشور همراه با اقتصاد جهانی، سبب توجه رهبران چین به دغدغه‌ها و مسائل در سطح گسترده شد. گسترش طرح‌های حکمرانی منطقه‌ای و جهانی که مشارکت چین را طلب می‌کرد و ظهور مسائل و موضوعات جدید مثل تغییرات اقلیم، تروریسم جهانی و چالش‌های امنیتی غیرسنتی، توسعه حقوق بین‌الملل و... تقاضای جدید را برای مشاوره‌های تخصصی و ویژه ایجاد کرد. در مقایسه با تیم‌های تحقیقاتی کوچک در بوروکراسی‌های حکومتی، نهادها به‌خاطر طیف وسیع‌تر علمی آنها، خلاقیت بیشتر و آموزش نیروهایشان و شبکه‌های بین‌المللی، بهتر و بیشتر با این مباحث همراه شده بودند

---

1. Zheng Bijian

2. Wang Jisi

3. China's Peaceful Rise



(Abb, 2013: 14; McGann, 2012: 10). در این دوره تغییر سازمانی کوتاهمدت به شکل ایجاد تعداد زیادی مراکز تحقیقاتی جدید در درون نهادهای موجود انجام شد. به علاوه ساختار سازمانی نهادهای موجود به تدریج از یک تقسیم منطقه‌ای به سمت واحدهای مبتنی بر موضوعات تغییر پیدا کرد.

بالاخره اینکه دو تحول جدید نهادها و پژوهشگران را تحت تأثیر قرار داد تا توصیه‌ها و یافته‌های خود را به تصمیم‌سازان و حوزه عمومی منتقل کرده و منعکس کنند:

**اول:** اینکه کارگزاران حکومتی به عنوان مصرف‌کنندگان اصلی تحقیقات و پژوهش‌هایی که با جهت‌گیری‌های علمی و دانشگاهی انجام می‌شوند، ظاهر شدند.

**دوم:** برخی پژوهشگران و متخصصین از کم شدن محدودیت‌ها در حوزه عمومی سود بردند و جایگاه عمومی خود را از طریق نمودهای رسانه‌ای تقویت کردند (Abb, 2013: 15).

اگرچه اعضای کانون‌های تفکر اغلب علاقه به تعقیب سیاست «اصلاح از درون»<sup>۱</sup> به جای «انقلاب از بیرون»<sup>۲</sup> داشتند، اما آنها دیدگاه‌ها، تصورات و ارزش‌های متفاوتی دارند. برخی از آنها ممکن است زمانی در درون نظام موضع‌گیری مدافع نظام داشته باشند و زمانی ممکن است موضع مخالف نظام اتخاذ کنند. برخی از آنها که در دانشگاه‌ها یا بخش خصوصی به فعالیت مشغولند ممکن است به کار کردن با سیاستگذاران و به ارائه عیوب در نظام سیاسی چین و سیاستگذاری‌های اقتصادی - اجتماعی آن علاقمند باشند (Li, 2009: 5).

- 
1. Reform from Within
  2. Revolution from Without

در دوره هو جین تائو، ایده «جامعه هماهنگ»<sup>۱</sup> به‌عنوان راهکاری برای برخورد با شکایات‌ها و اعتراضات داخلی متوجه حکومت ارائه شد. این تغییر موضع مبین این موضوع بود که شکایتهایی که پشت اعتراضات گروه‌های ذی‌نفع و متنوع اقلیت قرار گرفته بودند تا حدودی توسط حکومت به رسمیت شناخته شدند. این موضوع بستری را فراهم کرد که کانون‌های تفکر، مشاوره‌های سیاستگذارانه خود را ارائه کنند، اما علی‌رغم وجود این فرصت برای انجام تحقیقات و پژوهش‌های لیبرالی‌تر، تمرکز اصلی نهادهای تحقیقاتی در چین کنونی دغدغه‌های اقتصادی و امنیت بین‌المللی است. زیرا این دو مؤلفه فراملی برای آینده رهبری سیاسی چین بسیار اهمیت دارند (McGann, 2012: 16)

در مجموع می‌توان گفت علی‌رغم وجود تکثر فکری در کانون‌های تفکر، اما امروزه آنها گرایش دارند به اینکه بر چندین موضوع مهم از جمله ظهور اقتصادی چین در جهان، ثبات سیاسی داخلی، عدالت اجتماعی، امنیت انرژی و تصویر و جایگاه بین‌المللی چین تمرکز داشته باشند. کانون‌های تفکر رسمی منابع مالی و انسانی فراوان خود را برای تسلط بر گفتمان سیاستگذاری در چین به‌کار گرفته‌اند. تعداد کانون‌های تفکر مستقل در چین بسیار اندک است و همین تعداد هم از نظر بودجه بسیار محدودیت و مضیقه دارند (McGann, 2012: 16).

در سال ۲۰۰۶ در اولین مجمع کانون‌های تفکر چینی که در بیجینگ برگزار شد، مقامات چینی برای نخستین بار در تاریخ جمهوری خلق چین، ۱۰ کانون تفکر برجسته و برتر را در کشور چین معرفی و تعیین کردند (Li, 2009: 5). این ۱۰ کانون تفکر



برتر همگی نهادهایی بودند که از طرف دولت حمایت می‌شدند. آنها در دوره‌های مختلف تاریخ جمهوری خلق چین تأسیس شده بودند و هیچ یک از کانون‌های تفکر جدید در این فهرست قرار نداشتند.

جوان‌ترین کانون تفکر، «کمیته ملی چین برای همکاری اقتصادی پاسیفیک» بود که ۳۱ سال قبل تأسیس شده بود. برخی از این کانون‌های تفکر، نهادهای غول‌پیکر با تعداد زیادی کارمند بودند.

به‌عنوان نمونه آکادمی علوم اجتماعی چین اکنون متشکل از ۳۱ نهاد تحقیقاتی، ۴۵ مرکز پژوهشی است و ۴۲۰۰ نفر کارکنان آن را تشکیل می‌دهند که از میان آنها ۳۲۰۰ نفر عضو پژوهشی‌اند. البته این تعداد از اعضا شامل شاخه‌های استانی آکادمی علوم اجتماعی چین نمی‌شود.

مؤسسه روابط بین‌الملل معاصر چین<sup>۱</sup> هم که زیر نظر وزارت امنیت دولت کار می‌کند از همه این ۱۰ کانون تفکر کوچک‌تر است و کارکنان آن ۳۸۰ نفرند که از این تعداد ۱۵۰ نفر را پژوهشگران ارشد تشکیل می‌دهند.

تقریباً نیمی از این ۱۰ کانون تفکر برتر بر موضوعات روابط خارجی و امور بین‌المللی چین تمرکز دارند و هیچ‌یک از آنها توسط اقتصاددانان یا رئیسی که زمینه‌های قوی در امور اقتصادی داشته باشد، اداره نمی‌شوند. اگرچه برخی از آنها مثل مرکز تحقیقات توسعه شورای دولتی و کمیته ملی چین برای همکاری اقتصادی پاسیفیک در اصل متمرکز بر مباحث اقتصادی‌اند (Li, 2009: 5-6). جزئیات مربوط به این ده مؤسسه در جدول ذیل آمده است.

---

1. The China Institute of Contemporary International Relations

جدول رتبه‌بندی کانون‌های تفکر برتر چین ارائه شده  
توسط حکومت در مجمع کانون‌های تفکر

رتبه	نام	سال تأسیس	محل
۱	آکادمی علوم اجتماعی چین	۱۹۷۷	بیجینگ
۲	مرکز تحقیقات توسعه شورای دولتی	۱۹۸۱	بیجینگ
۳	آکادمی علوم چین	۱۹۴۹	بیجینگ
۴	آکادمی علوم نظامی	۱۹۵۸	بیجینگ
۵	مؤسسه مطالعات بین‌المللی چین	۱۹۵۶	بیجینگ
۶	مؤسسه روابط بین‌الملل معاصر چین	۱۹۸۰	بیجینگ
۷	کمیته ملی چین برای همکاری اقتصادی پاسیفیک	۱۹۸۶	بیجینگ
۸	اتحادیه علم و تکنولوژی چین	۱۹۵۸	بیجینگ
۹	مؤسسه بین‌المللی جامعه استراتژیک چین	۱۹۷۹	بیجینگ
۱۰	مؤسسه مطالعات بین‌المللی شانگهای	۱۹۶۰	شانگهای

Source: Li, 2006: 5.

در مجموع می‌توان گفت سه مؤلفه در نیاز به تأسیس کانون‌های تفکر جدید نقش داشته‌اند:

۱. تحولات داخلی صورت‌گرفته در چین و ظهور نظام رهبری جمعی، مقامات عالی‌رتبه را مجبور کرده است که از طریق حمایت از کانون‌های تفکر، مشروعیت فزاینده‌ای را برای سیاست‌های خود جستجو کنند.





۲. ادغام فزاینده چین با اقتصاد جهانی نیازمند دروندادهایی از پژوهشگران متخصص و حرفه‌ای (مخصوصاً آنهایی که به صورت خاص در مالیه و سرمایه‌گذاری بین‌المللی تخصص دارند) است.

۳. توسعه سریع اقتصاد بازار چین نه تنها ساختارهای اقتصادی و سیاسی چین را تکثرگرایانه‌تر کرده، بلکه گروه‌های ذی‌نفع جدیدی را هم به وجود آورده است. این گروه‌های ذی‌نفع، به خصوص آنها که در بخش تجارت فعالند، اکنون با دقت کار می‌کنند تا بر سیاستگذاری حکومت تأثیر بگذارند و به افکار عمومی شکل بدهند. هر سه مؤلفه را می‌توان در شکل‌گیری اولیه و عملکرد بعدی مرکز مبادلات اقتصادی بین‌المللی چین<sup>۱</sup> ملاحظه کرد (Li, 2009: 6, Ahmad, 2010: 404).

در باب اهمیت یافتن کانون‌های تفکر در چین طی سال‌های اخیر، در سال ۲۰۰۹ کنفرانسی برگزار شد و آن‌گونه به موضوع کانون‌های تفکر توجه شد که تا پیش از آن سابقه نداشت. در ماه مارس ۲۰۰۹، شورای دولتی تأسیس کانون تفکر جدیدی را در بیجینگ با عنوان «مرکز چینی مبادلات اقتصادی بین‌المللی»<sup>۲</sup> به تصویب رساند و این کانون تفکر به سرعت موقعیت یک کانون تفکر عالی را به دست آورد. معاون نخست‌وزیر قبل<sup>۳</sup> که سابقه سیاسی بسیار قوی داشت رئیس این کانون تفکر شد و چندین مقام رسمی عالی‌رتبه قبل و حال حاضر را که همگی در سطح وزارت بودند به‌علاوه فعالان اقتصادی برجسته و محققینی را که از نظر بین‌المللی شناخته شده بودند به‌عنوان مشاورین رئیس منصوب کرد (Li, 2009: 1).

1. CIEE

2. China center for International Economic Exchange

3. Zeng Peiyan

چهار ماه بعد یعنی در جولای ۲۰۰۹، مرکز چینی مبادلات اقتصادی بین‌المللی، کنفرانسی بین‌المللی را در مورد بحران مالی جهانی و نقش کانون‌های تفکر در ترویج همکاری بین‌المللی بر سر موضوعاتی که اهمیت جهانی دارند سازماندهی کرد. در این اجلاس ۹۰۰ نفر که مرتبط با این موضوع بودند شرکت کردند. از میان آنها ۱۵۰ نفر، رهبران حکومت کنونی و پیشین (چینی و خارجی)، مقامات عالی‌رتبه از سازمان‌های مهم بین‌المللی مثل بانک جهانی و کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد بودند. در حدود ۴۵۰ نفر پژوهشگر و نماینده کانون‌های تفکر سراسر جهان شرکت کرده بودند و حدود ۲۰۰ تاجر و ۱۵۰ روزنامه‌نگار هم شرکت داشتند. در این اجلاس، ون جیابائو هم حضور داشت و معاون اجرایی وی<sup>۱</sup> نیز به ایراد سخنرانی پرداخت. این اجلاس آن‌قدر اهمیت یافت که برای یک هفته، رسانه‌های چین این رویداد مهم را پوشش خبری دادند و آن را به‌عنوان بخشی از سر خط اخبار خود مطرح می‌کردند (Li, 2009: 1). این کانون تفکر تنها کانون تفکر مهم چین نیست، بلکه یک انجمن آکادمیک دیگر با عنوان «مجمع ۵۰ اقتصاددان چینی»<sup>۲</sup> وجود دارد که شامل ۵۰ اقتصاددان برجسته و تکنوکرات حکومتی است و انجام گفتگوهای جدی را در آخر آگوست ۲۰۰۹ با اقتصاددانان برجسته آمریکایی در برنامه خود گذاشت و درخصوص ابزارهای ترویج احیای اقتصادی در چرخه جهانی با آنها به بحث و تبادل نظر پرداختند (Li, 2009: 2).

برعکس کانون‌های تفکر در غرب که استقلال آنها از حکومت نشانه اعتبار و ارزش آنهاست، کانون‌های تفکر در چین اغلب تلاش می‌کنند تا پیوندهای قوی با حکومت

---

1. Li Keqiang

2. Chinese Economists 50 Forum



داشته باشند و ارزش را به پیوند تنگاتنگ با لایه بالای رهبری چین می‌دهند. مطابق با این منشور، «مرکز چینی مبادلات اقتصادی بین‌المللی» تحت رهبری و مدیریت «کمسیون اصلاح و توسعه ملی»<sup>۱</sup> عمل می‌کند که این کمسیون، مدیریت اقتصادی کلان اقتصاد چین را برعهده دارد و در سطح گسترده‌تر به‌عنوان مهمترین وزارتخانه در حکومت چین تلقی می‌شود. شاخص دیگر پیوندهای تنگاتنگ مرکز چینی مبادلات اقتصادی بین‌المللی با رهبری چین، نزدیکی و مجاورت فیزیکی با سطوح قدرت است. دفتر اخیر این مرکز در فاصله کمتر از صد متری حزب کمونیست چین و شورای دولتی چین واقع شده است (Li, 2009: 2).

بنابراین اهمیت فزاینده کانون‌های تفکر در چین سبب شده که آنها قادر به تسهیل مبادلات بین‌المللی باشند و این موضوع در چارچوب خیزش چین در سطح جهانی قابل فهم و درک است. امروزه بسیاری از مردم چین از جایگاه کشورشان آگاه هستند و به این موضوع توجه داشته‌اند که چین نه تنها در میانه تحولات و دگرسازی‌های اقتصادی و اجتماعی است، بلکه به‌سرعت به‌عنوان یک کنشگر اصلی در امور جهانی نیز درحال ظهور است. بنابراین آنها آرزو دارند که پیچیدگی‌ها و چالش‌های درهم‌تنیده بین‌المللی را که چین با آنها روبرو است، درک کنند تا بتوانند مواضع هوشمندانه‌ای را در رویارویی با مسائل و چالش‌ها اتخاذ کنند. بنابراین، در چین امروز کانون‌های تفکر نه تنها محل مهمی برای مقامات حکومتی بازنشسته برای تجربه دوره جدیدی در طول زندگی آنهاست بلکه همچنین نهادی است برای اینکه مقامات، متخصصین و پژوهشگران بتوانند با یکدیگر تعامل داشته باشند (Li, 2009: 2).

## فصل دوم - دسته‌بندی و گونه‌شناسی کانون‌های تفکر در چین

مشهورترین دسته‌بندی و یا طبقه‌بندی را ویور (Weaver, 1989) به‌منظور تحلیل گستره فعالیت‌های نهادهای پژوهشی مهم در حوزه سیاستگذاری ایالات متحده ارائه کرده است. طبق این دسته‌بندی کانون‌های تفکر در ایالات متحده آمریکا به سه دسته «دانشگاه‌های بدون دانشجو»،<sup>۱</sup> «پژوهشگران قراردادی»<sup>۲</sup> و «کانون‌های تفکر وکالتی»<sup>۳</sup> تقسیم می‌شوند. این دسته‌بندی هنوز برای تحلیل نظام‌های کانون تفکر غربی و آمریکایی به نحو گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. بعد از آن این الگو مجدداً توسط مک‌گان و ویور (McGann and Weaver, 2000) مورد استفاده و بازتعریف قرار گرفت و یک دسته‌بندی چهارم هم با عنوان «کانون‌های حزبی»<sup>۴</sup> که شبیه کانون‌های وکالتی هستند، اما وابستگی دائمی با احزاب سیاسی دارند به آن اضافه شد (Ahmad, 2010: 396).

با این همه باید توجه داشت که این رهیافت، مبتنی بر بنیادی است که هدف آن قرار دادن کانون‌های تفکر در سپهر جامعه مدنی است و نه حکومت و بنابراین برای جوامعی مثل چین یا دیگر ملت‌های در حال توسعه که دولت - محور هستند قابلیت کاربرد ندارد (Abb, 2013: 6).

البته تاکنون آثاری هم برای دسته‌بندی کانون‌های تفکر در چین ارائه شده است. به‌عنوان نمونه ژو (Zhu, 2009) نهادها را براساس موقعیت و وضعیت سازمانی آنها به شکل زیر دسته‌بندی می‌کند:

1. Universities Without Students
2. Contract Researchers
3. Advocacy Tanks
4. Party Tanks



- کانون‌های تفکر «شبه‌رسمی»<sup>۱</sup> به این معنا که درحالی که آنها مستقیماً بخشی از کارگزاری حکومتی نیستند اما هنوز تابع یکی از این کارگزاری‌ها محسوب می‌شوند.
- شرکت‌های انتفاعی خصوصی؛
- سازمان‌های غیرانتفاعی خصوصی؛

- کانون‌های تفکر وابسته به دانشگاه‌ها (Abb, 2013: 6).

زو ژوفنگ<sup>۲</sup> و ژوئه لان<sup>۳</sup> یک دسته‌بندی دیگری ارائه کرده‌اند که شامل مؤسسات عمومی شبه‌رسمی، کانون‌های تفکر جامعه مدنی، نهادهای تحقیقاتی وابسته به شرکت‌ها و دانشگاه‌ها و دیگر بنیادهای غیرانتفاعی آنها می‌شود. کانون‌های تفکر شبه‌رسمی مهمترین بخش از نظام پژوهش و نتایج سیاست‌گذارانه‌اند که بیرون از ساختار حکومتی قرار دارند. آنها به‌طور کامل مستقل از حکومت نیستند، بلکه نسبت به نهادهای پژوهشی رسمی به‌صورت خودمختارتری اداره می‌شوند. رهبران آنها توسط حکومت تعیین و بودجه آنها هم از محل بودجه عمومی تأمین می‌شود، زیرا آنها وظیفه دارند پژوهش‌های منظم و ساختارمندی را برای بخش‌های مختلف حکومت انجام دهند (Boudiguel and Kellner, 2010: 16). آنها همچنین از آزادی عمل بیشتری برخوردارند، زیرا به آنها اجازه داده شده است که پروژه‌های تحقیقاتی را با مشارکت خارجی و حتی جذب سرمایه‌هایی از سازمان‌های بین‌المللی یا مؤسسات حکومتی خارجی انجام دهند. این نهادها در اصل در اواخر دهه ۱۹۷۰ ظاهر شدند.

---

1. Semi-Official
2. Zhu Xufeng
3. Xue Lan

زو و ژوئه به نمونه‌هایی مثل «مرکز توسعه صنعت اطلاعات چین»<sup>۱</sup> که در سال ۲۰۰۰ توسط وزارت اطلاعات تأسیس شد و «مؤسسه توسعه چین»<sup>۲</sup> به‌عنوان کانون تفکری برای فراهم کردن تحقیق و مشاوره‌های سیاستگذاری هم اشاره می‌کنند. مؤسسه توسعه چین مجوز شورای دولتی را دریافت کرده، در پژوهش‌های سیاستگذاری اقتصادی در تمام سطوح درگیر شده و مشاوره‌هایی را به حکومت و حتی شرکت‌ها ارائه کرده است. این مؤسسه پیوندها و ارتباطات خود را با حزب کمونیست چین به‌خصوص از طریق اعضای هیئت‌مدیره خود حفظ کرده است. این کانون به‌خاطر پیوندهای نزدیک آن با ساختارهای حکومتی و اعضای حزب، حالتی ترکیبی و دورگه (ترکیبی از دو دسته‌بندی کانون‌های تفکر شبه‌رسمی و کانون‌های تفکر جامعه مدنی) پیدا کرده است. مطابق دیدگاه زو و ژوئه، روابط کلی آنها با حکومت کمترین شدت را دارد. کانون‌های تفکر مدنی سرمایه و منابع مالی را از منابع مختلف مثل شرکت‌ها یا بنیادهای خارجی دریافت می‌کنند؛ از نظر اندازه چندان بزرگ نیستند اما قادرند چهره‌های آکادمیک مشهوری را که اغلب بی‌میل به نقد سیاستگذاری اقتصادی حکومت نیستند، جذب کنند.

در سال‌های اخیر گروهی از کانون‌های تفکر نظیر «مؤسسه اقتصادی یونیورول»<sup>۳</sup> و «دوستان طبیعت»<sup>۴</sup> که از نظر مالی خصوصی محسوب می‌شوند، ظهور یافته‌اند که به‌عنوان بازیگران فرعی و حاشیه‌ای در پهنه وسیع‌تر سیاستگذاری و جهت‌دهی به افکار عمومی باقی مانده‌اند.

---

1. The China Center for Information Industry Development (CCID)

2. The China Development Institute (CDI)

3. Unirule Institute of Economic

4. Friends of the Nature



بنابراین، در حال حاضر برخی کانون‌های تفکر خصوصی با ابتکار برخی اقتصاددانان، مؤسسان شرکت‌ها یا فعالان جامعه مدنی ایجاد شده‌اند و سرمایه آنها توسط بنیادهای خصوصی یا شرکت‌ها تأمین می‌شود. تمرکز آنها در اصل بر مسائل اقتصادی و زیست‌محیطی است.

یک نمونه آن «مؤسسه اقتصادی یونیورول» است که در جولای ۱۹۹۳ توسط پنج اقتصاددان تأسیس شد. این مؤسسه هیچ‌گونه کمک مالی از حکومت چین دریافت نمی‌کند و وابسته به کمک‌های بخش خصوصی و کمک‌های موردی برای پروژه‌هایی است که انجام می‌دهد. سمینارهای دوره‌ای و کنفرانس‌های سالیانه را تنظیم می‌کند و هفت مجله را منتشر می‌سازد. در حوزه محیط زیست هم می‌توان به کانون تفکر «دوستاناران طبیعت» اشاره کرد که در سال ۱۹۹۴ تأسیس شد. این کانون قدیمی‌ترین سازمان بین‌المللی غیرحکومتی زیست‌محیطی در کشور چین است و کارهای مهمی را در زمینه آگاهی‌بخشی زیست‌محیطی در پکن و حتی در سراسر چین انجام داده است (Boudiguel and Kellner, 2010: 17).

چن (Chen, 2009) هم در یک دسته‌بندی دیگر با محدود کردن کانون‌های تفکر به نهادهای پژوهشی سیاستگذاری خارجی، نوعی دسته‌بندی را ارائه می‌کند که مبتنی بر ویژگی‌ها و ابعاد سازمانی است.

بر این اساس چهار مورد از این مجموعه‌ها مبتنی بر وابستگی نهادی و عبارتند از:

۱. کانون‌های تفکر وابسته به وزارت امور خارجه (MOFA)،
۲. کانون‌های تفکر وابسته به آکادمی علوم اجتماعی (CASS)؛
۳. کانون‌های تفکر وابسته به دانشگاه‌ها؛

۴. کانون‌های تفکر وابسته به ارتش.

دیگر کانون‌های تفکر با عنوان کانون‌های تفکر «دیپلماسی عمومی» به جوامع آکادمیک و علمی و نهادهای غیرحکومتی تقسیم می‌شوند (Abb, 2013: 7). دونالد آلبسون<sup>۱</sup> و جیمز مک‌گان<sup>۲</sup> هم کانون‌های تفکر را به سه دسته تقسیم می‌کنند که عبارتند از:

۱. کانون‌های تفکر حکومتی/رسمی؛

۲. کانون‌های تفکر دانشگاهی/شبه‌رسمی؛

۳. کانون‌های تفکر مدنی/وابسته به دانشگاه‌ها (Ahmad, 2010: 396).

بودیگوئن و کلنر (۲۰۱۰) هم یک دسته‌بندی سه‌گانه را از کانون‌های تفکر ارائه می‌کنند: کانون‌های تفکر وابسته به حکومت و دولت، کانون‌های تفکر آکادمیک خاص و کانون‌های تفکر وابسته به دانشگاه‌ها.

**دسته اول:** کانون‌های تفکری که در ارتباط با شورای دولتی یا دپارتمان‌ها و وزارتخانه‌های مختلف حکومتند. مهمترین آنها «مؤسسه روابط بین‌الملل معاصر چین»<sup>۳</sup> یا «مؤسسه مطالعات بین‌المللی چین»<sup>۴</sup> نهادهای تحقیقاتی وابسته به حکومت‌اند و به صورت انحصاری سرمایه و بودجه آنها توسط حکومت تعیین می‌شود. این کانون‌های تفکر هیچ‌گونه قدرت اجرایی ندارند و مأموریت اصلی آنها فراهم کردن اطلاعات برای تصمیم‌گیرندگان رده بالای کشور است (Boudiguel and Kellner, 2010: 14).

---

1. Donald Albeson  
2. James McGann  
3. CICIR  
4. CIIS





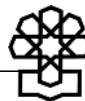
**دسته دوم:** کانون‌های تفکر که همان کانون‌های تفکر آکادمیک خاص‌اند متشکل از نهادهای روابط بین‌المللی است که تحت نظارت آکادمی علوم اجتماعی چین قرار دارند. آکادمی علوم اجتماعی چین تحت نظارت شورای دولتی قرار دارد، اما تمرکز آن بر پژوهش‌های سیاستگذارانه محض قرار ندارد. پژوهشگران آکادمی علوم اجتماعی چین، تنها در برخی مواقع درگیر پژوهش‌هایی می‌شوند که پیامدهای سیاستگذارانه فوری داشته باشد. این نهادها و مؤسسات به واسطه ماهیت آکادمیک تحقیقات آنها، تأثیرگذاری اندکی دارند. تحقیقات بلندمدت و نظری‌تر آنها کمتر پیامدهای فوری برای تصمیم‌گیرندگان دارد که بیشتر وقت‌ها زمان اندکی برای تصمیم‌گیری در اختیار دارند. حتی این‌گونه تصور می‌شود که آنها از دسترسی منظم به تصمیم‌گیرندگان سطح بالا از طریق کانال‌های بوروکراتیک رسمی سود می‌برند، اما پژوهشگران آکادمی علوم اجتماعی چین سطح پایین تعامل واقعی را با مقامات رسمی حکومت پذیرفته‌اند (Boudiguel and Kellner, 2010: 15).

**دسته سوم:** کانون‌های تفکر وابسته به دانشگاه‌ها به واسطه موقعیت جغرافیایی خود، کمترین تأثیرگذاری را دارند، زیرا آنها هم از نظر موقعیت جغرافیایی از مراکز تصمیم‌گیری دورند و هم ماهیت آکادمیک پژوهش‌های آنها سبب تأثیرگذاری اندک آنها بر حوزه سیاستگذاری شده است. البته برخی از پژوهشگران از جمله لیائو<sup>۱</sup> با این دیدگاه مخالفند. وی بر این نظر است که برخی کانون‌های تفکر در دسته سوم به واسطه پیوندهای بوروکراتیک خاص خود اثرگذارترند. مثل کانون‌های تفکر آکادمیکی که به وزارت امور خارجه وابسته‌اند (Boudiguel and Kellner, 2010: 15).

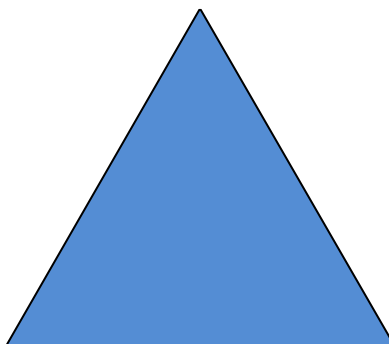
همه دسته‌بندی‌ها نقش مسلط دولت را در اقتصاد جمهوری خلق چین مورد تأکید قرار می‌دهند و جزئیات ارزشمندی را درباره طیف کاملی از ارگان‌ها و نهادهای دولتی چین که توانمندی پژوهشی در حوزه سیاستگذاری دارند ارائه می‌کنند. در مجموع باید توجه داشت که با توجه به دو موضوع می‌توان کانون‌های تفکر در چین را مورد بررسی قرار داد:

**اول** اینکه همه نهادها و ارگان‌های پژوهشی فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند که می‌توان آنها را ذیل سه نقش اصلی دانشگاهی، مشورتی و روابط عمومی/وکالتی دسته‌بندی کرد.

**دوم** اینکه بیشتر این نهادها و ارگان‌ها (اگر نگوییم همه آنها) منحصراً بر یکی از این حوزه‌ها تمرکز نمی‌کنند، بلکه به‌جای آن همه این نقش‌ها را به‌طور همزمان انجام می‌دهند اما اولویت را به نقش مشخصی می‌دهند. به زعم نویسندگان از آنجا که طبق این رویکرد، به‌نظر می‌رسد که سه نقش اصلی مورد توجه کانون‌های تفکر است می‌توانیم کانون‌های تفکر را چونان مثلی فرض کنیم که هر گوشه آن دربرگیرنده یکی از این نقش‌های سه‌گانه است (Abb, 2013: 7).



کانون‌های تفکر دانشگاهی



کانون‌های وکالتی

کانون‌های تفکر روابط عمومی

Source: Abb,2013: 7.

### فصل سوم - مهمترین کانون‌های تفکر چین

در آخرین آمار و گزارشی که درخصوص کانون‌های تفکر در سراسر جهان و جایگاه آن در ژانویه ۲۰۱۴ توسط دانشگاه پنسیلوانیا منتشر شده است، مک‌گان - از پژوهشگران حوزه کانون‌های تفکر چین - در ابتدا به کانون‌های تفکر مهم چین براساس رتبه آنها پرداخته و در ادامه از نظر حوزه فعالیت آنها را از یکدیگر تفکیک کرده است که به شرح زیر است:

۱. آکادمی علوم اجتماعی چین؛
۲. مؤسسه مطالعات بین‌المللی چین؛
۳. مؤسسه روابط بین‌الملل معاصر چین؛

۴. مرکز کارنگی چین در مرکز سیاستگذاری جهانی کینگای؛<sup>۱</sup>
۵. مؤسسه مطالعات بین‌المللی شانگهای؛<sup>۲</sup>
۶. مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی چین؛
۷. مرکز تحقیقات توسعه شورای دولتی؛<sup>۳</sup>
۸. مؤسسه اقتصادی یونیورول چین؛
۹. مؤسسه امور عمومی چین؛
۱۰. مؤسسه تحقیقات سیاستگذاری ملی چین (McGann, 2014: 43).  
مهمترین کانون‌های تفکر در حوزه دفاع و امنیت ملی چین عبارتند از:
  ۱. دانشگاه دفاع ملی چین؛
  ۲. مؤسسه روابط بین‌الملل معاصر چین (McGann, 2014: 51-52).  
مهمترین کانون‌های تفکر در حوزه سیاستگذاری اقتصاد داخلی چین هم عبارتند از:
    ۱. آکادمی علوم اجتماعی چین؛
    ۲. مؤسسه اقتصاد و سیاست جهانی؛
    ۳. مرکز پژوهش‌های اقتصادی هنگ‌کنگ؛<sup>۴</sup>
    ۴. مؤسسه امور عمومی چین؛
    ۵. مؤسسه اقتصادی یونیورول چین؛
    ۶. مرکز تحقیقات توسعه شورای دولتی (McGann, 2014: 55).

---

۱. استانی در شمال غرب چین.

2. SIIS

3. Development Research Center of the State Council

4. Hong Kong Center for Economic Research



مهمترین کانون تفکر در حوزه سیاستگذاری منابع و انرژی، «مرکز سیاستگذاری محیط زیست، منابع و انرژی»<sup>۱</sup> است و جالب توجه اینکه در حوزه آموزش کانون تفکر مهم و تأثیرگذاری در کشور چین وجود ندارد.

همچنین مهمترین کانون‌های تفکر در حوزه محیط زیست نیز عبارتند از:

۱. آکادمی طراحی زیست‌محیطی چین؛<sup>۲</sup>

۲. آکادمی پژوهشی علوم زیست‌محیطی چین؛<sup>۳</sup>

۳. تبادل مدنی هنگ‌کنگ<sup>۴</sup> (McGann, 2014: 58).

مهمترین کانون‌های تفکر در حوزه امور بین‌المللی و سیاستگذاری خارجی هم عبارتند از:

۱. مؤسسه روابط بین‌الملل معاصر چین؛

۲. مؤسسه مطالعات بین‌المللی شانگهای؛

۳. مؤسسه مطالعات بین‌المللی چین (McGann, 2014: 60).

مهمترین کانون تفکر در حوزه سلامت و بهداشت، مؤسسه اصلاحات و توسعه

منطقه‌ای چین،<sup>۵</sup>

مهمترین کانون تفکر در حوزه توسعه بین‌المللی، آکادمی علوم اجتماعی چین،

مهمترین کانون تفکر در حوزه سیاستگذاری اقتصادی بین‌المللی، مؤسسه اقتصاد و

سیاست جهانی.<sup>۶</sup>

---

1. CEERP

2. Chinese Academy for Environmental Planning (CAEP)

3. Chinese Research Academy of Environmental Sciences

4. Civic Exchange Hong Kong

5. China Regional Development and Reform Institute

6. IWEP

در حوزه علم و تکنولوژی، مؤسسه اقتصادی یونیورول و در حوزه سیاستگذاری اجتماعی «آکادمی علوم اجتماعی شانگهای» از همه مهمترند (McGann, 2014: 63-70).

### فصل چهارم - سازوکارهای تأثیرگذاری کانون‌های تفکر بر فرآیند سیاستگذاری چین

درگیر شدن و وارد شدن عمیق چین در امور جهانی و تماس و ارتباط با دیگر کشورها سبب شد که رهبران چین به دنبال دستیابی به دانش عمیق‌تر در مورد مباحث و موضوعات جهانی باشند. با توجه به اینکه مقامات رسمی در سطح وزیر بیشتر و بیشتر در جستجوی مشاوره‌های پژوهشگران کانون‌های تفکرند، توانمندی کانون‌های تفکر برای تأثیرگذاری بر سیاستگذاری عمومی چین بیشتر شده است.

به منظور تحلیل دقیق‌تر تأثیر کانون‌های تفکر چینی بر فرآیند سیاستگذاری داخلی و حکمرانی جهانی، نخست باید ویژگی‌های اصلی را که این نهادها با آن شناخته می‌شوند، مشخص کرد. کانون‌های تفکر در چین متفاوت از کانون‌های تفکر در کشورهای غربی‌اند. زیرا آنها فاقد استقلال و خودمختاری از حکومت مرکزی‌اند. دیوید شامبا<sup>۱</sup> در مقاله خود می‌نویسد به استثنای «جامعه چین برای مدیریت و استراتژی»،<sup>۲</sup> کانون‌های تفکر روابط بین‌المللی «مستقل» در چین وجود ندارد. همه کانون‌های تفکر روابط بین‌المللی چین در

1. David Shambaugh

2. China Society for Strategy and Management



درون سلسله‌مراتب اجرایی مثل وزارت شورای دولتی،<sup>۱</sup> دپارتمان کمیته مرکزی یا یکی از دپارتمان‌های اصلی ارتش آزادی‌بخش خلق عمل می‌کنند.<sup>۲</sup>

در گذشته کانون‌های تفکر روابط بین‌الملل چین نمی‌توانستند تأثیر مستقلی بر ساختار سیاسی چین داشته باشند و تنها منعکس‌کننده دیدگاه‌های مارکسیست - لنینیستی بودند. با این همه در دهه ۱۹۹۰ زمانی که نگاه مثبت به انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی در چین شکل گرفت، این نهادها هم از نظر ساختار سازمانی و هم از نظر روش‌های تحقیقاتی دچار تحول شدند. آنها در چارچوب دستورات ایدئولوژیک مارکسیسم - لنینیسم به سمت روش‌های تجربه‌گرایانه‌تر، عملی‌تر و توصیفی‌تر حرکت کرده‌اند. آنها همچنین نسبت به تعامل بین متغیرهای داخلی و متغیرهای نظام بین‌الملل و تأثیر آن بر روابط خارجی آگاهی بیشتری کسب کرده‌اند (McGann, 2012: 20-21).

اینکه کانون‌های تفکر تا چه حد و چگونه سیاستگذاری‌های حزب کمونیست چین را تحت تأثیر قرار می‌دهند بسته به نوع وابستگی آنها متفاوت است. زو ژوفنگ<sup>۳</sup> کانون‌های تفکر شبه‌رسمی را مؤلفه و عامل اساسی در پژوهش‌های سیاستگذاری و نظام همفکری خارج از حکومت چین می‌داند. بهترین نمونه این دسته‌بندی آکادمی علوم اجتماعی چین و مرکز تحقیقات توسعه شورای دولتی‌اند. اگر چه این دو نهاد توسط کارگزاری‌های حکومتی معینی تأسیس شده و بنیان نهاده شدند و مقامات رسمی و عالی‌رتبه حکومت به‌عنوان پرسنل اصلی آنها محسوب می‌شوند، اما درجه بالایی از خودمختاری را هم به

---

1. The State Council Ministry

2. PLA

3. Zhu Xufeng

نمایش گذاشته‌اند، زیرا به آنها این اجازه داده شده است که سرمایه و منابع مالی را از دیگر دپارتمان‌ها یا کارگزاری‌های حکومتی و حتی در برخی مواقع از سازمان‌های بین‌المللی جذب کنند. امروزه با کاهش بودجه‌ها و سرمایه‌ها و منابع مالی حامیان رسمی آنها، این کانون‌های تفکر شبه‌رسمی به نحو فزاینده‌ای به سمت بازار جهت‌گیری پیدا کرده‌اند و حتی رویه‌های حکومت را هم مورد نقد قرار می‌دهند.

به‌عنوان نمونه مرکز تحقیقات توسعه شورای دولتی، اصلاحات سیاستگذاری در حوزه سلامت و بهداشت را در گزارشی که در ۲۰۰۵ منتشر کرد مورد نقد قرار داد. همچنین باید به تحلیل ویژگی‌های نهادهای پژوهشی سیاستگذاری خارجی جامعه مدنی هم پرداخت. این مراکز پژوهشی مشاوره‌های سیاسی را برای رهبری ارائه می‌کنند، پژوهش‌های آکادمیک را انجام می‌دهند، آموزش داخلی را در این خصوص فراهم می‌کنند، کنفرانس‌های مهم برگزار می‌کنند و بر تصمیم‌گیری در حوزه سیاستگذاری چین اثر می‌گذارند (McGann, 2012: 21).

زو ژوفنگ از پژوهشگران مهم کانون‌های تفکر چین چهار سازوکار تأثیرگذاری کانون‌های تفکر در چین را مورد اشاره قرار می‌دهد که عبارتند از:

۱. **دانش تخصصی:** دانش تخصصی منبع اصلی کانون‌های تفکر برای تأثیرگذاری هم در غرب و هم در چین است. پژوهشگران حوزه سیاستگذاری عمومی به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته‌اند. در واقع، کانون‌های تفکر چین برای تأثیرگذاری نیاز به این دارند که از دانش تخصصی خود برای تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم بر سیاستگذاران در بخش‌های مختلف استفاده کنند. بعد از سال‌ها آموزش و پژوهش در حوزه‌های موضوعی مختلف سیاستگذاری، بسیاری از کانون‌های تفکر قادرند که توجه مقامات رسمی را





جلب کرده و آنها را تشویق کنند که پیشنهادهای سیاستگذارانه کانون‌های تفکر را اتخاذ کنند. حکومت چین نه تنها از مشاورین کانون‌های تفکر استقبال و حمایت می‌کند - برای اینکه پروژه‌های تحقیقاتی بلندمدت را انجام دهند؛ - بلکه آنها را به جلسات حکومت که در مورد موضوعات فوری‌تر سیاستگذاری برگزار می‌شود، دعوت می‌کند (Xufeng, 2009: 340).

**۲. پیوندهای اداری و اجرایی:** می‌توان گفت که پیوندهای اداری و اجرایی برای کانون‌های تفکر در چین بسیار مهم است. در خیلی از موارد یک کانون تفکر می‌تواند بر سیاستگذاری‌ها تأثیر بگذارد نه تنها به واسطه دانش تخصصی؛ بلکه به‌خاطر اینکه متخصصین آن می‌توانند ایده‌ها و گزارش‌های پژوهشی خود را از طریق پیوندهای اداری و اجرایی به مقامات ارائه کنند و ایده‌های آنها به بخشی از بدیل‌های سیاستگذارانه تبدیل می‌شود. البته همان‌طور که در گونه‌شناسی کانون‌های تفکر بررسی شد برخی از این کانون‌های تفکر، رسمی، برخی شبه‌رسمی و برخی هم به دانشگاه‌ها وابسته‌اند. ارتباط‌های بین کانون‌های تفکر و ناظران و سرپرستان آنان، شکل‌دهنده نوع خاصی از پیوند اداری و اجرایی در چارچوب چینی است. به‌عنوان یک واحد نظارتی، هر کدام از کارگزاری‌های حکومتی چین دارای رتبه اجرایی خود است که می‌تواند برای تعریف پیوند اداری و اجرایی یک کانون تفکر مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرد. واحد نظارتی که در ساختار چین رتبه بالاتری داشته باشد سبب توسعه بیشتر کانون تفکر خواهد شد، زیرا پیوندهای اداری و اجرایی بهتری را دارا خواهد بود (Xufeng, 2009: 341).

**۳. علقه‌ها و تعهدات شخصی:** علقه‌ها و تعهدات شخصی با دیگر کنشگران حوزه سیاستگذاری عامل مهمی برای بررسی میزان تأثیرگذاری کانون‌های تفکر چین به‌شمار

می‌رود. علقه‌ها و تعهدات شخصی در جامعه چین مبتنی بر انواع روابط است که شامل خویشاوندی، تجربه‌های سوسیالیستی مشترک، همکاری‌های بلندمدت یا علقه‌ها و الزامات تحصیلی می‌شود. روابط شخصی با سیاستگذاران - که معمولاً با عنوان «شبکه‌های تصمیم‌گیرنده»<sup>۱</sup> نامیده می‌شوند - منبع مهمی برای تأثیرگذاری بر فرآیند سیاستگذاری در نظام چین محسوب می‌شوند. به نحو مشابهی علقه‌ها و تعهدات شخصی با سیاستگذاران در مرکز یا پیرامون به متخصصین کانون‌های تفکر کمک می‌کند تا بتوانند هم بر نخبگان و هم بر افکار عمومی تأثیرگذار باشند (Xufeng, 2009: 342).

**۴. هویت‌های سازمانی:** هویت‌های سازمانی نقش مهمی را در تأثیرگذاری کانون‌های تفکر از طریق شبکه‌های سیاستگذاری دارند. کانون‌های تفکر شبه‌رسمی رابطه از بالا به پایین بهتر و نهادینه‌تری داشته و وابستگی اجرایی و اداری طولانی‌مدتی با حکومت دارند. در مقایسه با پیوندهای اداری و اجرایی بین کانون‌های تفکر جامعه مدنی و واحدهای مافوق و نظارتی آنها، الزامات بین کانون‌های تفکر شبه‌رسمی و واحدهای مافوق و نظارتی آنها بیشتر است. کانون‌های تفکر شبه‌رسمی قادر به تأثیرگذاری بیشتر از طریق پیوندهای اداری و اجرایی‌اند در حالی که کانون‌های تفکر جامعه مدنی بیشتر از طریق فعالیت‌ها و تلاش‌های پژوهشگران به صورت فردی تأثیرگذاری خود را نشان می‌دهند. زیرا فاقد رابطه سازمانی نزدیک در حوزه اداری و اجرایی‌اند. در مجموع می‌توان گفت که کانون‌های تفکر جامعه مدنی به‌صورت غیرمستقیم بر سیاستگذاری‌های حکومت تأثیر می‌گذارند (Xufeng, 2009: 343).



## فصل پنجم - تأثیر فزاینده قانون‌های تفکر در چین

حوزه سیاستگذاری در چین به صورت فزاینده‌ای باز شده است و اکنون بسیاری از کنشگران وجود دارند که در تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌های عمومی دخالت دارند. این تغییر نه تنها فعالیت‌های داخلی قانون‌های تفکر در چین را تحت تأثیر قرار داده است بلکه همچنین بر تأثیرگذاری و موقعیت قانون‌های تفکر چینی در عرصه جهانی نیز اثرگذار بوده است.

به‌عنوان نمونه مؤسسه بروکینگز گزارش داده است که نمایندگان بیشتر و بیشتری از قانون‌های تفکر چینی برای ملاقات با نمایندگان نهادهای آمریکایی به‌منظور مبادله ایده‌های سیاستگذارانه هر هفته به ایالات متحده آمریکا سفر می‌کنند (McGann, 2012: 12-13).

درحالی که قانون‌های تفکر دانشگاهی و حکومتی به سطوح بالای بلوغ رسیده‌اند، قانون‌های تفکر مستقل هنوز در سطوح نوپا و فاقد پیوندهای شبکه‌ای جاافتاده با قانون‌های تفکر قدیمی وابسته به حکومت‌اند. اساس بسیاری از قانون‌های تفکر برجسته و مهم در چین، در کشور چین قرار ندارد بلکه برعکس مثل موقوفه کارنگی برای صلح بین‌المللی<sup>۱</sup> شاخه‌هایی از قانون‌های تفکر بین‌المللی‌اند که در کشورهای دیگر شکل گرفته‌اند. قانون‌های تفکر مستقل علی‌رغم حوزه و چشم‌انداز محدودشان نقش موازنه‌گری مهمی را بازی می‌کنند، زیرا آنها منابعی‌اند که نهادهای خارجی از طریق آنها می‌توانند دیدگاه‌های دسته اول را در مورد توسعه چین دریافت کنند. از زمانی که فعالیت‌های چین

---

1. Carnegie Endowment for International Peace

در حوزه اقتصاد بین‌الملل گسترش یافته است، تعداد و فعالیت گروه‌های ذی‌نفع در چین نیز افزایش یافته است. تعداد کمی از کانون‌های تفکر کلیدی مستقل، تلاش کرده‌اند که هم از طریق حکومت چین و هم از طریق نهادهای خارجی (به‌واسطه تأثیر ثانویه‌ای که از طریق پیوندهای علمی و تحقیقاتی، کنفرانس‌ها و رسانه‌های جمعی داشته‌اند) برای خود مشروعیت کسب کنند (McGann, 2012: 13).

**راهکار اول:** ارائه گزارش‌ها در مباحث و موضوعات مورد تقاضای حکومت به مقامات رسمی است، اما باید توجه داشت که این تنها ابزار تأثیرگذاری کانون‌های تفکر در چین به‌شمار نمی‌رود و راه‌های بدیل دیگری هم برای تأثیرگذاری کانون‌های تفکر وجود دارند.

**راهکار دوم:** برقراری ارتباط با دیگر نهادهای پژوهشی و تحقیقاتی در سطح جهانی است.

**راهکار سوم:** برقراری ارتباطات فزاینده و تبادلات آموزشی یکی از راهکارهایی است که کانون‌های تفکر چین از آن بهره گرفته‌اند. به‌علاوه برقراری ارتباطات شخصی بین پژوهشگران برای تبادل اطلاعات بسیار مهم است و کنفرانس‌های منظم بین نهادهای مهم هم دیگر ابزار مورد استفاده کانون‌های تفکر برای تأثیرگذاری بیشتر است (McGann, 2012: 13).

**راهکار چهارم:** استفاده از رسانه‌های جمعی برای تأثیرگذاری در دنیای جهانی شده است.<sup>۱</sup> اگرچه این موضوع درست است که موقعیت و جایگاه رهبری در چین به نظام انتخاباتی وابسته نیست و نسبت به نظام‌هایی که متکی بر نظام انتخاباتی



دمکراتیکند نیاز به تأثیر حوزه عمومی و افکار عمومی کمتر احساس می‌شود، اما در هر حال اطمینان دوباره افکار عمومی برای حفظ حضور حکومت در جهان ضروری است. بنابراین آموزش عامه در موضوعات خاص به نحو فزاینده‌ای باید مورد توجه قرار بگیرد (McGann, 2012: 13).

در مجموع مهمترین کارکردها و نقش‌های کانون‌های تفکر برای تأثیرگذاری به شرح ذیل است:

**اولین** نقش کلیدی و مهم کانون‌های تفکر مدرن، انجام فعالیت‌های علمی و تولید تحقیقات و پژوهش‌های علمی و دانشگاهی است که در قالب چاپ گزارش‌ها و مقالات در مجلات علمی نمود دارد (Abb, 2013: 16).

**دومین** نقش کانون‌های تفکر، فعالیت‌های مشاوره‌ای است که برای نهادهای تصمیم‌ساز در کشور چین انجام می‌دهند و سنجش این موضوع بسیار مشکل است و این امر به واسطه سرشت و ماهیت غیرشفاف فرآیند سیاستگذاری در کشور چین است. اصولاً همه فعالیت‌های مشاوره‌ای را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نخست؛ نظام جمع‌آوری و انتشار گزارش‌های مکتوب که به آنها «منابع و مراجع داخلی»<sup>۱</sup> گفته می‌شود و دوم؛ ارائه مشاوره‌هایی که اغلب توسط اشخاص انجام می‌شود و در مقام مقایسه کمتر نهادینه شده است و نموده‌های آن سخنرانی‌ها، احکام و دستورهای کوتاه و پیشنهادهاست (Abb, 2013: 21).

**سومین** نقش مهم کانون‌های تفکر، حضور رسانه‌ای و روابط عمومی یا کار و کالتی است که از طریق آن، کانون‌های تفکر تلاش می‌کنند تا افکار عمومی را به سمت

پذیرش سیاست‌هایی که مطلوب نهادها و کارکنان آنهاست جهت دهند. به‌منظور تأثیرگذاری بر افکار عمومی از این طریق، ضروری است که این نهادها حضور ثابت و مداوم خود را در رسانه‌ها نشان دهند و از طریق آنها حوزه تخصص و فعالیت خود را گزارش کنند. این حوزه از حوزه‌های تفاوت بین کانون‌های تفکر چینی و غربی است به خاطر محدودیت‌های بیشتری که محیط رسانه‌ای چینی در آن عمل می‌کند (Abb,2013:25).

### فصل ششم - مهمترین کانون‌های تفکر در عرصه سیاست‌گذاری خارجی چین

چین کشوری است که کانون‌های تفکر وابسته به حکومت نسبت به شرکا و رقبای مستقل آنها همچنان قدرت بیشتر خود را حفظ کرده‌اند در مقایسه با اروپا و ایالات متحده آمریکا، جایی که نهادهای مستقل از نظر کمیت و کیفیت اهمیت قابل توجهی دارند. اکثر کانون‌های تفکر یا توسط حکومت حمایت می‌شوند یا مستقیماً وابسته به کارگزاری‌های حکومت‌اند؛ مانند مرکز تحقیقات توسعه شورای دولتی و مؤسسه روابط بین‌الملل معاصر چین.

درواقع، حکومت تلاش‌های متمرکزی را برای محدود کردن تعداد، نقش و تأثیرگذاری این گونه کانون‌های تفکر انجام داده است و خیلی از مقامات رسمی و عالی‌رتبه حکومتی به‌صورت مستقیم در برخی از کانون‌های تفکر اصلی و کلیدی وابسته به حکومت حضور دارند و آنها را سرپرستی می‌کنند. به‌عنوان مثال مدرسه حزب کمونیست کانون تفکری است که اساساً به‌عنوان نهاد نماینده حزب کمونیست چین خدمت کرده و نقش اساسی را در تعریف موقعیت هر یک از کمیته‌های مرکزی حزب



ایفا می‌کند. در نتیجه کانون‌های تفکر وابسته به حکومت نسبت به تأثیرگذاری قابل توجه بر فضای سیاسی چین قادرند به‌عنوان نمونه بنیاد مطالعات استراتژیک و بین‌المللی چین<sup>۱</sup> ارتباط نزدیکی با ارتش چین دارد و مقامات آن تمایلی ندارند و حتی مخالفند که در خصوص موضوعات مرتبط با امنیت ملی از جمله گسترش تسلیحات یا سلاح‌های هسته‌ای تبادل اطلاعاتی داشته باشند. به بیان دیگر نوعی خودسانسوری در درون برخی کانون‌های تفکر چین وجود دارد و همین موضوع سبب محدود شدن دامنه و تأثیرگذاری پژوهش‌های آنها می‌شود (McGann, 2012: 15-16).

حکومت چین به افکار عمومی در سیاستگذاری‌های خود نیاز دارد و از برون‌دادهای کانون‌های تفکر به‌عنوان راه حفظ مشروعیت خود بهره می‌جوید، زیرا مبین راهبرد جمعی‌تر در تدوین سیاست‌های حکومت است. اما با وجود این، حکومت است که تصمیم می‌گیرد امور کلیدی را در چین انجام دهد و نقش اصلی را در این زمینه برعهده دارد (McGann, 2012: 16).

از نظر دیوید شامبا (2002) مهم‌ترین کانون‌های تفکر روابط بین‌الملل چین عبارتند از:

۱. مؤسسه روابط بین‌الملل معاصر چین:<sup>۲</sup> اگر به ریشه‌های سازمانی برگردیم، شاید بتوان گفت این مؤسسه قدیمی‌ترین کانون تفکر روابط بین‌المللی در چین است. از زمان تأسیس به‌عنوان یک مؤسسه در ۱۹۶۵، به‌عنوان نهاد برتر کمونیستی این کشور ایفای نقش کرده و اغلب از نظر بوروکراتیک تابع کمیته روابط خارجی حزب کمونیست

---

1. CFISS

2. China Institute of Contemporary International Relations (CICIR)

بوده است. در ۱۹۸۰، این مؤسسه به‌عنوان واحدی باز که با خارجی‌ها ارتباط داشته باشد طراحی شد. تا سال ۱۹۸۲، کمیته روابط خارجی، تابع کمیته مرکزی بود اما به مرور زیر نظر شورای دولتی قرار گرفت. بنابراین در همان زمان، این مؤسسه به لحاظ اداری و اجرایی و مالی تحت نظر وزارت امنیت دولتی (که تازه تأسیس شده بود) قرار گرفت. این ساختار تا سال ۱۹۹۹ ادامه پیدا کرد؛ زمانی که هم دفتر امور خارجی و هم این مؤسسه تحت نظر کمیته مرکزی قرار گرفته و به نظام پیشین و ساختار قبلی بازگشتند. این به معنای عقب‌گرد در تأثیرگذاری بوروکراتیک بود و تأثیرگذاری مؤسسه در نیمه دهه ۱۹۹۰ رو به افول گذاشت. دلیل این امر کاملاً روشن نیست، اما به نظر می‌رسد حداقل به دو عامل مربوط باشد: یکی بازنشسته شدن یا فوت متخصصین تحلیلگر بدون اینکه توسط افراد خبره جدید جایگزین شوند و دوم تسلط فزاینده وزارت امور خارجه بر تصمیم‌گیری در حوزه سیاستگذاری خارجی. این مؤسسه برای اینکه دوباره موقعیت خود را به‌عنوان یک کانون تفکر مؤثر در زمینه روابط بین‌الملل به دست آورد، نیازمند زیرساخت‌های جدید، پرسنل جدید، روحیه و طرز فکر بهتر، نهادهای نظارتی و پشتیبانی رده بالا و مدیریت ارشد است. رهبران اخیر آن همگی کم و بیش کارکنان دستگاه جاسوسی و اطلاعاتند. این مؤسسه هنوز از تأثیرپذیری بیش از حد آن با تفکرات به روش شوروی رنج می‌برد و یک بحران هویت مهم دارد و آن هم این است که آیا باید یک آژانس جاسوسی باشد یا یک کانون تفکر مستقل‌تر یا ترکیبی از این دو (Shambaugh, 2002: 583).





۲. **مؤسسه چینی روابط بین‌الملل:**<sup>۱</sup> از وقتی که مؤسسه روابط بین‌الملل معاصر چین دچار نوعی گرفتگی و خسوف شده مؤسسه چینی روابط بین‌الملل ظهور درخشانی را تجربه کرده است. اگر چه این مؤسسه هرگز جزء کانون‌های تفکر قدیمی چین نبوده اما از نظر تأثیرگذاری بر سیاستگذاری خارجی نقش مهمی را ایفا کرده است. این مؤسسه کانون تفکر وزارت امور خارجه است اما هرگز از سوی وزارت امور خارجه یا وزیر امور خارجه چندان جدی گرفته نشده است. البته در یک دهه اخیر این موضوع تغییر پیدا کرده و منابع مالی جدیدی از سوی وزارت امور خارجه برای آن در نظر گرفته شده است. بنیاد فوردهم کمک قابل توجهی به این مؤسسه داشته است. تمرکز این مؤسسه بر مسائل میان‌مدت و بلندمدت است و با ماهیت مسائل و دغدغه‌های فوری و کوتاه‌مدتی که مدنظر مؤسسه روابط بین‌الملل معاصر چین است تفاوت دارد. در سطح بین‌المللی هم به‌عنوان همتای مؤسسه سلطنتی امور بین‌المللی و مؤسسه ژاپنی امور بین‌المللی است و با بقیه مؤسسات تحقیقاتی وابسته به وزارت امور خارجه در سراسر جهان قابل مقایسه است (Shambaugh, 2002: 583).

۳. **مؤسسه امور خارجی خلق چین:**<sup>۲</sup> این مؤسسه بازوی وزارت امور خارجه محسوب می‌شود و فی‌نفسه یک کانون تفکر به‌حساب نمی‌آید. این مؤسسه قدمت قابل توجهی دارد و تاریخ تأسیس آن به دسامبر ۱۹۴۹ برمی‌گردد که به‌عنوان یک مؤسسه اصلی حکومتی چین برای «دیپلماسی مردم با مردم»<sup>۳</sup> در طول دو دهه اول کار خود به فعالیت پرداخت و کانالی ارتباطی را برای مبادلات غیررسمی با نخبگان و ملت‌هایی که

---

1. China Institute of International Relations  
2. Chinese People's Institute of Foreign Affairs  
3. People- to-people diplomacy

حکومت چین با آنها روابط دیپلماتیک رسمی نداشت اختصاص داد. اما در سه دهه اخیر تمرکز این مؤسسه بیشتر بر ارتباط با سیاستمداران قدیمی و دیپلمات‌های با سابقه قرار گرفته است (Shambaugh, 2002: 587).

۴. **اتحادیه چینی تماس‌های دوستانه بین‌المللی:**<sup>۱</sup> این مؤسسه، همتای نظامی مؤسسه امور خارجی خلق چین به حساب می‌آید. در واقع از یک‌سو با اداره اطلاعات و دپارتمان سیاسی ارتش آزادی بخش خلق در ارتباط است و از سوی دیگر هم پیوندهایی با وزارت امنیت دولتی و وزارت امور خارجه دارد. این مؤسسه در ۱۹۸۴ تأسیس شده و از زمان تأسیس تلاش کرده که ترکیبی از شخصیت‌های نظامی و غیرنظامی بازنشسته را جذب کند اگرچه در دهه ۱۹۹۰ به اندازه دهه ۱۹۸۰ فعال نبوده است و یکی از مسئولیت‌های اصلی آن، اداره کردن مرکز مطالعات صلح و توسعه است (586 Shambaugh, 2002).

۵. **مرکز مطالعات صلح و توسعه:**<sup>۲</sup> این مرکز در سال ۱۹۸۴ به‌عنوان فرزندخوانده اتحادیه چینی تماس‌های دوستانه بین‌المللی تأسیس شد و از ۱۹۸۹ با این عنوان شناخته شده است. این مرکز هم با دپارتمان سیاسی ارتش آزادی‌بخش خلق و هم با وزارت امور خارجه و وزارت امنیت دولتی در پیوند است. این مرکز دارای هفت بخش تحقیقات منطقه‌ای است و ۲۰ محقق تمام‌وقت در آن مشغول به‌کارند. بودجه این مرکز عمدتاً از ناحیه وزارت امنیت دولتی و دپارتمان سیاسی ارتش آزادی‌بخش خلق تأمین می‌شود (588 Shambaugh, 2002).

---

1. China Association for International Friendly Contacts

2. Center for Peace and Development



۶. مرکز امور جهانی ژینهووا<sup>۱</sup>: این مرکز در سال ۱۹۹۱ تحت نظر دپارتمان بین‌المللی خبرگزاری ژینهووا تأسیس شد. مرکز مزبور در حدود ۱۰ پژوهشگر تمام‌وقت دارد که بیشتر آنها همزمان در دپارتمان بین‌المللی خبرگزاری هم کار می‌کنند. البته تعداد اندکی هم نیروی وابسته دارد که اغلب آنها بازنشسته شده‌اند. تمرکز اصلی این مرکز بر «قدرت‌های بزرگ و هند» است. این مرکز نقش مهمی را در انتخاب منابع خبری برای ترجمه ایفا می‌کند و انتشارات مرکز یکی از منابع اصلی اطلاعات در مورد امور بین‌المللی برای رهبران و مقامات عالی‌رتبه است. با این همه در مورد تأثیر آن نباید غلو شود، زیرا به نظر می‌رسد که این مرکز بیشتر دربرگیرنده گروهی از خبرنگاران مسن و سالخورده ژینهوواست تا اینکه یک مؤسسه سازمان یافته و پویا تلقی شود (Shambaugh, 589) 2002:

۷. مؤسسه مطالعات تایوان<sup>۲</sup>: اگرچه این مؤسسه صرفاً یک مؤسسه روابط بین‌المللی نیست اما شایسته است که در این حوزه مورد بررسی قرار گیرد. این مؤسسه رسماً تحت نظر آکادمی علوم اجتماعی چین است اما از نظر بودجه زیر نظر برخی از ارگان‌های اصلی از جمله دفتر امور تایوان شورای دولتی، گروه تایوان کمیته مرکزی و وزارت امنیت دولتی است. این مؤسسه یکی از منابع اطلاعاتی در مورد امور تایوان است و کارکنان آن برخی پروژه‌های بلندمدت تحقیقاتی را انجام می‌دهند. این مؤسسه علاوه بر نقش مشاوره‌ای و اطلاعاتی نقش مهمی را در تعیین سیاستگذاری امور تایوان ایفا می‌کند (Shambaugh, 2002: 589).

---

1. Xinhua Center for World Affairs  
2. Institute of Taiwan Studies

۸. جامعه چین برای راهبرد و مدیریت:<sup>۱</sup> این جامعه یک سازمان غیرمعمول است که در سال ۱۹۸۳ تأسیس شد و در زمان تأسیس وابسته به آکادمی علوم نظامی ارتش آزادی‌بخش خلق بود. در ۱۹۸۹ به یک سازمان باز تبدیل و اجازه داده شد که با خارجی‌ها ارتباط داشته باشد. هدف این مؤسسه تا قبل از سال ۱۹۸۹، جمع کردن متخصصین امنیت بین‌الملل ارتش آزادی‌بخش خلق و جامعه اطلاعاتی غیرنظامی دور هم بود. این جامعه در زمان تأسیس به دفتر امور خارجی شورای دولتی وابسته بود اما بعداً زیر نظر مؤسسه اصلاح اقتصادی شورای دولتی منتقل شد. از زمانی هم که مؤسسه به‌خاطر حوادث میدان «تیان آن من» تعطیل شد مشخص نیست که کدام نهاد حامی اصلی این مؤسسه است. بخش قابل ملاحظه‌ای از منابع مالی این مؤسسه وابسته به ارائه مشاوره به شرکت‌های بخش خصوصی است (Shambaugh, 2002: 589- 590).

۹. بنیاد مطالعات استراتژیک بین‌المللی:<sup>۲</sup> این بنیاد در ژوئن ۱۹۸۹ تأسیس شد و ادعا می‌کند که یک مؤسسه مستقل و غیرانتفاعی است، اما از آغاز تأسیس پیوندهای قوی و محکمی با دپارتمان دوم (اطلاعات) ارتش آزادی‌بخش خلق داشته است. بسیاری از اعضای آن کارکنان کنونی، مقامات ارشد یا سرهنگ‌های ارتش آزادی‌بخش خلق بوده‌اند. این بنیاد به واسطه قراردادهای تحقیقاتی که با بخش خصوصی منعقد کرده، بودجه و سرمایه‌هایی را از آنها دریافت می‌کند و در عین حال تحقیقات و پژوهش‌هایی را هم برای ارتش و وزارت امور خارجه انجام می‌دهد. علی‌رغم

---

1. China Society for Strategy and Management  
2. Foundation for International Strategic Studies



این که شروع قوی و نیرومندی داشت اما در سال‌های اخیر چندان در مبادلات بین‌المللی فعال نبوده است (Shambaugh, 2002: 591).

#### ۱۰. مرکز مطالعات بین‌المللی شانگهای<sup>۱</sup>: این مرکز به دفتر امور خارجی

شهرداری شانگهای وابسته است و برخی ارتباطات و پیوندها هم با آکادمی علوم اجتماعی شانگهای دارد. مرکز در ۳ می ۱۹۸۵ به‌عنوان یک ارگان مستقل تأسیس شد و به‌عنوان نهادی که نقش کلیدی را در واگذاری پروژه‌های تحقیقاتی به دیگر نهادهای روابط بین‌المللی در سراسر شانگهای دارد شناخته شده است (Shambaugh, 2002: 593).

#### ۱۱. مؤسسه مطالعات بین‌المللی شانگهای<sup>۲</sup>: این مؤسسه در ۱۹۶۰ تأسیس شد و

توانمندی تحلیلی و تحقیقاتی قوی خود را حفظ کرد. اگرچه تعداد کارکنان آن کمتر از رقبایش در بیجینگ است اما توانمندی آنها بیشتر و بالاتر از آنهاست. فاصله فیزیکی از بیجینگ سبب فاصله اطلاعاتی شده است. بنابراین پژوهشگران این مؤسسه در زمان طولانی‌تری تحلیل‌های خود را ارائه می‌دهند و پیشنهادهای سیاستمداران آنها در مغایرت با خطوط و محورهای استاندارد در بیجینگ است. گفتگوها و بررسی مسائل و موضوعات، نسبت به کانون‌های تفکری که در بیجینگ واقع شده‌اند و تحت وسایل شنود حزب قرار دارند، در یک فضای باز و صادقانه صورت می‌پذیرد. این مؤسسه به‌طور سنتی توانمندی تحقیقاتی قوی در مورد خاورمیانه و آمریکا داشته، به استخدام نیروهای جوان‌تر که دانش آموخته دپارتمان سیاست بین‌الملل دانشگاه فودان‌اند مبادرت کرده و نهادی است که

---

1. Shanghai Center for International Studies

2. Shanghai Institute of International Studies

مدرک دانش‌آموختگی کارشناسی ارشد را در امور بین‌المللی اعطا می‌کند. در حال حاضر حدود ۸۰ نیروی تمام‌وقت دارد که ۲۰ نفر آنان را مقامات عالی‌رتبه تشکیل می‌دهند. این مؤسسه از زمان تأسیس تاکنون به لحاظ اداری و اجرایی تحت نظر شهرداری شانگهای بوده و بودجه خود را از آنجا دریافت می‌کند. در بیشتر سال‌ها نیز به‌صورت مستقیم پیوندهایی را با وزارت امور خارجه در بیجینگ داشته است (Shambaugh, 2002: 594).

**۱۲. آکادمی علوم اجتماعی شانگهای:**<sup>۱</sup> این آکادمی به جای آنکه یک کانون تفکر مرتبط با سیاستگذاری باشد، یک مؤسسه تحقیقاتی و علمی است. این آکادمی پژوهش‌هایی را در حوزه‌های موضوعی مختلف در امور بین‌المللی انجام می‌دهد و جز دفتر امور تایوان، بقیه دفاتر و ادارات و حوزه‌های آن ماهیت سیاستگذارانه ندارند. با این همه این آکادمی از نظر علمی نقش مهمی را در مطالعه امور بین‌المللی ایفا می‌کند (Shambaugh, 2002: 594).

**۱۳. آکادمی علوم اجتماعی چین:** این آکادمی سازمانی گسترده است که متشکل از ۳۱ مؤسسه تحقیقاتی با ۳۲۰۰ نفر پژوهشگر تمام‌وقت و بالغ بر ۴۲۰۰ نفر نیرو است. حوزه‌های تحقیقاتی آن بسیار گسترده و جامع است که در متن به‌دقت مورد بررسی قرار گرفته است (Shambaugh, 2002: 596).



## نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش بررسی جایگاه کانون‌های تفکر در کشور چین و فهم نحوه اثرگذاری آنها بر فرآیند سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در این کشور بود و مطالب ذیل مورد بررسی قرار گرفت:

۱. تاریخچه شکل‌گیری کانون‌های تفکر در چین ارائه و گفته شد اگرچه به‌نظر برخی از پژوهشگران شکل‌گیری کانون تفکر در چین قدمت طولانی دارد و به دوران کنفوسیوس برمی‌گردد اما حضور و تأثیرگذاری آنها به‌صورت جدی به دوران پس از انقلاب کمونیستی در این کشور (۱۹۴۹ به بعد) برمی‌گردد و از این دوران به بعد می‌توان کانون‌های تفکر را در سه مقطع مورد بررسی قرار داد. کانون‌های تفکر دوران مائوئیستی، کانون‌های تفکر مدرن پس از مائو و کانون‌های تفکر مدرن پس از حادثه میدان تیان آنمن.

۲. دسته‌بندی و گونه‌شناسی کانون‌های تفکر در چین ارائه شد؛ انواع دسته‌بندی‌ها و گونه‌شناسی‌های مهمی که تاکنون توسط پژوهشگران ارائه شده مورد بررسی قرار گرفت. یکی از این دسته‌بندی‌ها که جامع‌تر از بقیه بود ملاک تحلیل گزارش حاضر قرار گرفت. در این دسته‌بندی کانون‌های تفکر به سه دسته کانون‌های تفکر حکومتی/رسمی؛ کانون‌های تفکر دانشگاهی/شبه‌رسمی؛ و کانون‌های تفکر مدنی/وابسته به دانشگاه‌ها طبقه‌بندی شده بودند. نکته جالب اینکه همه دسته‌بندی‌های ارائه شده از کانون‌های تفکر در چین، نقش مسلط دولت را در اقتصاد جمهوری خلق چین مورد تأکید قرار داده بودند.

۳. مهمترین کانون‌های تفکر در چین در حوزه‌های موضوعی سیاستگذاری خارجی، دفاع و امنیت، اقتصاد، انرژی، محیط زیست، جامعه مدنی و ... ارائه شد.

۴. سازوکارهای تأثیرگذاری کانون‌های تفکر بر فرآیند سیاستگذاری در چین ذیل چهار موضوع دانش تخصصی، پیوندهای اداری و اجرایی، علقه‌ها و تعهدات شخصی و هویت‌های سازمانی ارائه شد و مورد بررسی قرار گرفت. درخصوص سازوکارهای تأثیرگذاری کانون‌های تفکر بر فرآیند سیاستگذاری، یافته‌ها نشان داد که یکی از راه‌های تأثیرگذاری کانون‌های تفکر، ارائه گزارش‌ها در مباحث و موضوعات مورد تقاضای حکومت به مقامات رسمی است، اما باید توجه داشت که این تنها ابزار تأثیرگذاری کانون‌های تفکر در چین به شمار نمی‌رود و راه‌های بدیل دیگری هم برای تأثیرگذاری کانون‌های تفکر وجود دارد. یکی دیگر از این راهکارها برقراری ارتباط با دیگر نهادهای پژوهشی و تحقیقاتی در سطح جهانی است. به‌علاوه استفاده از رسانه‌های جمعی، برقراری ارتباطات شخصی بین پژوهشگران برای تبادل اطلاعات بسیار مهم است و کنفرانس‌های منظم بین نهادها هم دیگر ابزار مورد استفاده کانون‌های تفکر برای تأثیرگذاری بیشتر است.

۵. تأثیر فزاینده کانون‌های تفکر در چین براساس مهمترین کارکردهایی که این کانون‌های تفکر در فرآیند تأثیرگذاری بر سیاستگذاری دارند بررسی شد و این نتیجه حاصل شد که اولین نقش کلیدی و مهم کانون‌های تفکر مدرن، انجام فعالیت‌های علمی و تولید تحقیقات و پژوهش‌های علمی و دانشگاهی است که در قالب چاپ گزارش‌ها و مقالات در مجلات علمی نمود دارد؛ دومین کارکرد کانون‌های تفکر، فعالیت‌های مشاوره‌ای است که برای نهادهای تصمیم‌ساز در کشور چین انجام می‌دهند و سومین





نقش مهم کانون‌های تفکر، روابط عمومی است که از طریق آن، کانون‌های تفکر تلاش می‌کنند تا افکار عمومی را به سمت پذیرش سیاست‌هایی که مطلوب نهادها و کارکنان آنهاست جهت دهند. در این بخش سیزده کانون تفکر در حوزه سیاستگذاری خارجی معرفی شدند.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، در مجموع می‌توان به این جمع‌بندی رسید که کانون‌های تفکر حکومتی و وابسته به حکومت احتمالاً به عنوان کنشگران برجسته و قدرتمند در فرایند سیاستگذاری چین باقی خواهند ماند. با این همه نشانه‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه گشایش درها به روی اجتماع بین‌المللی نیز در چین صورت گرفته است که نشانه آن میزبانی کنفرانس‌ها و گفتگو و مذاکرات با نمایندگان کانون‌های تفکر سراسر جهان است.

به‌طور کلی، در مورد آینده کانون‌های تفکر در چین دو ملاحظه و دیدگاه قابل ارائه است:

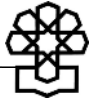
**اول** اینکه در آینده قابل پیش‌بینی، کانون‌های تفکر حکومتی چین در حوزه سیاستگذاری این کشور نقش مؤثری را ایفا خواهند کرد و به مرور زمان هم از نظر بودجه و سرمایه‌گذاری و هم از نظر دستور کار پژوهشی و اجرایی، مستقل‌تر و مؤثرتر خواهند بود.

**دوم** این که کانون‌های تفکر مستقل چینی به تدریج هم از نظر تعداد گسترش خواهند یافت و هم تأثیرگذاری بیشتری را خواهند داشت. یکی از کارکردهای اصلی کانون‌های تفکر مستقل چینی این است که بر شکاف مشارکت سیاسی بین حکومت و مردم پل بزنند و در نتیجه در ثبات اجتماعی چین نقش مهمی داشته باشند. به‌علاوه،

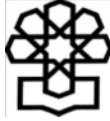
توسعه کانون‌های تفکر سبب ارتباط و همگرایی بین چین و جهان خواهد شد. تحولات اخیر نشان می‌دهد که کانون‌های تفکر غیرحکومتی، به‌خصوص آنهایی که وابسته به دانشگاه‌ها یا به بخش خصوصی تعلق دارند به تدریج بر فرآیند تصمیم‌گیری در چین از طریق ارائه دیدگاه‌های انتقادی‌تر از تحولات سیاستگذاری در این کشور به مراتب تأثیرگذارتر خواهند بود.

### منابع و مأخذ

1. Abb, "China's Foreign Policy Think Tanks: Changing Roles and Structural Conditions" *GIGA Working Papers*, Institute of Asian Studies, No.213, January, 2013.
2. Ahmad, Mahmood, "The Role of Chinese Think Tanks in Foreign Policy Making: Growing Influence and Political Limitations", *the Dialogue*, Vol.3, No.3, 2010.
3. Bondiguel, Thomas and Thierry Kellner, "The Impact of China's Foreign Policy Think Tanks" *BICCS Asian Paper*, Vol.5, No.5, 2009.
4. Chen, Guangmeng, China's Foreign Policy Think Tanks: Definition, Classification and Development (zhongguo wajijiao sixiangku: dingyi, fenlei he fazhan yanbian), in: *Foreign Affairs Review* (wajijiao pinglun), Vol.26, No.1, 2009.
5. Chen, Guangmeng, Discussing the Influence of Think Tanks on China's Foreign Policy (lun sixiangku dui zhongguo wajijiao zhengce de yingxiang), in: *Foreign Affairs Review* (wajijiao pinglun), Vol.27, No.1, 2010.
6. Conachy, James, "Chinese Think Tank Warns of Growing Unrest over Social Inequality" *World Socialist Web Site.org*, 2001.
7. Demuth, Christopher, "Think Tank Confidential" *American Enterprise Institute for public Policy Research*, December, 2007.



8. James McGann & R. Weaver, *Think Tanks and Civil Societies: Catalysts for Ideas and Action*, 2000.
9. Li, Cheng. “China’s New Think Tanks: Where Officials, Entrepreneurs, and Scholars Interact” *China Leadership Monitor*, No.29, 2011.
10. McGann, James G., “Chinese Think Tanks, Policy Advise and Global Governance” *RCCPB (Research Center for Chinese Politics and Business of Indiana University) Working Paper*, No. 27, (March), 2012.
11. McGann, James G., “2013 Global Go to Think Tanks and Civil Societies Program” *International Relation Program*, University of Pennsylvania, January 22, 2014.
12. Shambaugh, David, “China’s International Relations Think Tanks: Evolving Structure and Process” *The China Quarterly*, 2002.
13. Shambaugh, David, “Training China’s Political Elite: The Party School System” *The China Quarterly*, 196, December, 2008.
14. Sun, Zhe, The Think Tanks and the Making of Chinese Foreign Policy (zhongguo wajiao sixiangku: canyu juece de juece fenxi), in: *Fudan Journal (Social Sciences)*, No. 4, 2004.
15. Sung, Wen-Ti, “Policy Think Tanks and China Policymaking in the United State” *Summer Research Scholar*, Parliamentary Library, 2013.
16. Xufeng, Zhu, ”The Influence of Think Tanks in the Chinese Policy Process” *Asian Survey*, Vol.49, Issue 2, 2009.
17. Zhao, Quansheng, *Increasing Public Participation in the Making of Chinese Foreign Policy – the Role of Intellectuals and Think Tanks*, Paper presented at the 2011 Beijing Forum, 2011.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۴۱۱۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: کانون‌های تفکر چین

نام دفتر: بنیادین حکومتی (گروه بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین: بهاره سازمند

ناظر علمی: سیدیونس ادیانی

متقاضی: ریاست مرکز

ویراستار ادبی: قاسم میرخانی

واژه‌های کلیدی:

۱. کانون‌های تفکر

۲. جمهوری خلق چین

۳. سیاستگذاری

۴. تصمیم‌گیری

۵. سیاست خارجی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۱۰/۲۲